

شبهه قشون با قطار راه آهن بطرف سرحد رهبان  
می آید، تمام کارها معطل و افراد قشون هر یک  
بجانب اردوگاه خود میروند. اداره کالسکه های  
بخار را حکم شده که تمام کالسکه های خود شان را  
بحکومت بیاورند

در صوفیا بیان می شود که اینک موقع رسیده  
که برای آزادی مقدونیه دول مؤثرانه مداخلت و  
کوشش نمایند در تاسیس حکومت خود مختار وی  
بابالی حکم نموده است که هیچگونه مالی را  
اداره جت راه آهن برای بلغار منظور نماید و نیز  
تصفیه شده است که تمام جہازات یونانی که در آنای  
عمانی اند برای حمل قشون در موقع جنگ بتصرف  
آرند، نمایند یونان به بابالی در خصوص توقیف  
جہازات یونانی بروست نموده است

بابالی رد نموده است اولتیماتوم سرویا را در  
خصوص استرداد قورخانه و به تمام قشون حکم  
حاضر باش داده شده است

مسلك روملیا تا کنون معلوم نیست از وقتیکه  
نماینده رومانی با وزیر خارجه عثمانی ملاقی آمده  
اهالی را بشک انداخته است

مشکل ترین امور امروز در بالکان و عثمانی  
تسکین جوش و خروش ملی است، باوجود تهدیدات  
قونسلات اهالی جزیره کریت الحاق خودشان را به  
یونان اعلان داده اند

اهالی اسلامبول را آن بان جوش و خروش  
بالا میگیرد و عقیده شان این است که موقع رسیده  
که بابالی بدخواهی دشمنان را برای همیشه خاتمه  
بخشد

چنان مستفاد میشود که بلغاریا در پاریس کوشش  
برای استقراضی نموده بدو ۲۰ ملیون فرانک سپس  
به پانزده و ده تا پنج ملیون فرانک هم راضی بود  
بانک های فرانسه از دادن وجه انکار نمودند

دولت فرانسه از بانکها خواست نموده هیچگونه  
تأمیدی بحکومت های بلغاریا و سرویا داده نشود

وزیر خارجه رارس مپوسازانوف باقوت به بلغاریا  
وسرویا مراسم شهبداطجه در حفظ امنیت و برقراری  
صلح نگاشته است. دول ساعیند برای جلوگیری جنگ  
بین عثمانی و بالکان، سفرای دول از بابالی خواست  
نموده اند که در برقراری امنیت و صلح اقدام نماید

ظاهر است که دول برای انجام صلح خیلی  
کوشاند، سفرای الکلیس، روس، فرانس، بر  
صوفیه، بلگرید، اتن و ستنجی ۳۰ ستمبر و اول  
اکتوبر مراسم رسمی پیش نموده اند

در ویانه شهرت دارد که دولین روس و آستریا  
فشار خواهند آورد که به بلغار از جمع نمودن قشون  
باز ایستد

بابالی وعده نموده که مسئله گرفتاری جہازات  
یونان را بیک کمیسیون موقتی پیش نماید، بجای  
جہازات یونان در دریای سیاه و صدد در بحر  
سفید توقیف اند

سرویا و بلغاریا آمد و شد قطار راه آهن را  
بمانی مسدود داشته اند، مسافرنیکه در آخرین  
قطار راه آهن از بلغارستان عبور نموده استماع  
کرده اند آواز شلیک را در ایستگاه سرحدی  
مصطفی پاشا

بالاتفاق جرایم عثمانی تأیید میکنند حکومت  
خود را در مقابل دشمنان خارجی و مینویسند که  
شمیر ترکان که در ماه ششم آخته گردیده باکال  
خوشبختی استقبال می نماید چنین جنگ خونخوار را  
رئیس الوزرای فرانسه مسیو (بون کبر) در موقعیکه  
سفرای دول هم حاضر بودند به نمایندگان بالکان با  
منتهای درشتی و سختی سخن رانده است

در تمام ترکان جوش جنگ بالا گرفته و رعایا  
صداها را بچنگ جنگ درم انداخته، تمام اقوام  
برای اعانه دفتر جنگی حاضر شده اند و خصوصاً  
از وقتیکه خبر مظالم فلوپولی (واقع در خاک بلغاریا)  
مسلمانان اشاعه یافته پیش از پیش ترکان را بجوش  
و خروش آورده است

انجمن اتحاد ترقی اعلائی اشاعه داده مبنی بر  
اینکه با تمام قوت خود حکومت حاضر عثمانی را  
تأیید خواهد نمود

کالسکه چپانیکه در اسلامبول بایکوت نموده بودند  
از خبر جنگ بخوش آمده بشکل خودشان بازگشته تا  
خطرات وطنی شان از انقلابات داخلی زیاد نگردد  
سی هزار اهالی البانی برای حفظ مملکت آبائی  
خویش تلگرافاً اظهار جانفشانی به بابالی نموده اند  
جهاز جنگی یونان بین ضیبا و اسلامبول دو  
کشتی یونانی را جلوگیری و عبریانش را فرود آورده

غله‌هاییکه بر جہازات از طریق یونان و بلغار  
برای بر اعظم اروپا میرفت با اعلیٰ جلوگیری نموده  
بانگها و نجار به مسیو ( رستوف ) رئیس الوزرای  
روس ازین حرکت با اعلیٰ تشکی برده است و  
کرده اند که کوشش در آزادی غلهجات نباید

چنین شهرت یافته که قشون عثمانی بر سرحد  
قره‌مانغ حمله نموده و سرویا بلون و قورخانه عثمانی  
را جلوگیری کرده است ، میگویند صکه رومانیا  
در این انقلابات بالکان بیطرفی اختیار نموده است  
اگرچه افسران ایتالی تا کنون ساکت اند ولی  
شهرت دارد که بین عثمانی و ایتالی صلح بر قرار  
آمده است ، از اخبارات جدیدہ و موقه اسلامبول  
ظاهر می شود که حقیقتاً انتظام صلح بین عثمانی  
و ایتالی شده

بر حسب تلگراف پاریس با اعلیٰ آخرین شرط  
ایتالی را در خصوص صلح منظور نموده ، و مواد  
اولیہ صلح پس از آنیکہ نمایندہ مخصوص عثمانی  
به ( اوجی ) برسد امضا خواهد یافت

وزیر خارجه فرانس با مسیو سازانوف وزیر  
خارجه روس در پاریس مشوره نموده امید می نمایند  
که تمام دول اروپا متفق الرای در انجام صلح خواهند  
گردید ، مسلت مداخلہ دول در مساملات بالکان  
بأنجسام صلح بعد از رسیدن مراسله آسریا معین  
خواهد شد

چنان گفته می شود که مخالفت آسریا دول  
اروپا را از اقدام در انقلابات بالکان باز داشته  
است ، ولی خطی که باید به پای تخت های بالکان  
و اسلامبول فرستاده شود تمام دول متفق اند ،  
پاریس برای مخبره دول در موضوع انقلابات بالکان  
حرکت قرار یافته

شهرت دارد که منباب قتل عامیکه از مسلمانان  
در بلغار شده با اعلیٰ به دول شکایت نموده است  
ناظم پاشا وزیر جنگ سبه سالار جنگی کل  
اردو های عثمانی مقرر آمده است

در اسلامبول شهرت دارد که در سرحد بلغار  
خاصه در مقامات ( چیمباله و نامروش ) جنگ های  
مختصر شده ، بلغاریان حمله بر قراولخانه عثمانی نموده  
پس از دو ساعت و نیم جنگ شکست یافته اند  
اخبارات مینویسند آخرین التیاتوم بلغار در  
خصوص آزادی مقدونیا تاریخ هفتم به با اعلیٰ پیش  
خواهد شد

در جزیره ساموس عثمانی اعلیٰ اعلان جہوریت  
داده مسیو ( سوکولیس ) را بریاست جہوری خود  
شان منتخب نموده اند

اردوگاه های ( کنیه ) عمل از قشون برای  
رفتن مقدونیا اظہار جوش و خروش می نمایند  
جہاز کروزیار انگلیس از مالٹا بطرف جزیره  
کریٹ رهسپار آمده است

وزیر خارجه روس با رئیس جہوری فرانسه  
تناول نهار نمود ، از شورای پاریس امید واری  
برای برقراری صلح بالکان می رود

بواسطہ انقلابات بالکان حکم شده است که در  
موقع رسیدن کروزیار انگلیسی دو جہاز جنگی کم  
که در جبل طارق است بطرف مالٹا روانہ شوند

تلگراف ( بخارست ) پای تخت رومان تکذیب  
می نماید اجتماعات قشونی را ، و بیان میکنند که قشون  
فقط مشغول به مشق و حکومت نگران و امانت است  
بر حسب تلگراف اسلامبول از آغاز انقلاب

تا کنون در ( فلی بولس ) و سایر مقامات بالکان بر  
مسلمانان صدمه و اذیت میرسد ، زیاده بر ۳۰ نفر  
مسلمان در راه ها و مقامات مختلفہ بقتل رسیده اند ،  
و چنان گفته می شود که دوات عثمانی بواسطہ این  
قتل های وحشیانہ بدول اروپا شکایت برده است

مسز اسکویت رئیس الوزرای انگلستان در

( لیدی بیک ) ضمن نطق خود اظهار داشته که چندین  
ذوقان خوفناکی در اقدامات بین المللی بروز نموده ولی  
هنوز امید وی قطع نگردیده است که دول کابلیاب در  
برقراری امنیت نگردد و لازم است دول متحد شده  
از روی دیانت و صحت بطرف صاحب قوت دهند  
وکالت روتر از ( سیکولیوف ) خبر میدهد که

حکم به قتل رومان رسیده صکه جمیع جہازات  
یونانی را منع از حرکت کنند - نجار سیکولیوف  
( ناگانراک ) متحد شده در ناید بانگها و نجار  
( راستوف ) که از رئیس الوزراء روس خواسته  
اند که عثمانی جہازات یونان را رها کنند

قیمت غله اندک کم و نرخ حمل و نقل جہازات  
پیش میشود

افواہیکہ منباب تصدیقہ صاحب عثمانی و ایتالی  
شده بود در روم انکار میشود - اخبار ( بریونا )  
بطریق نیم رسمی مینویسد که با وجودیکہ ایتالی  
واقف است لزبانه چوئیهای عثمانی تاریخ را مقرر

نموده برای قبول یا رد شرائط صلح - روانگی نمایندگان مخصوص صلح (رشیدباشا) و (سیکتر برتولین) بطرف (اوجی) قوت میدهد تصفیه صلح را چنان ظاهر میشود که بطریق عملی بین ایتالی و عثمانی انجام صلح شده است و تا تاریخ ۹ اکتوبر تصفیه امر خواهد شد

اخبار جنرال کینوا مینویسد که مساعده چنین خواهد شد که تسلیم عثمانی بحقوق شاهزاده ایطالی بر ضرابس لازم نیست و ایتالی مسرد خواهد ساخت عثمانی جزائر بحر سفید را و مصارفی هم که عثمانی وارد شده ایتالی بپا قرض خواهد داد و طرفین هم از دادن تاوان جنگ یکدیگر منافی خواهند بود گنگوی صلح ایتالی و عثمانی جمیع امارات بالکان خصوصاً یونان را مشوش ساخته و میگویند این صلح منصفانه نشده است

اخبار نیم رسمی (تریونا) مینویسد نماینده قانی از امارات بالکان در روم موجود و کوشش میباشد که ترغیب دهد ایتالی را که در این موقع بصاحبه بردارد ولی در کوشش خود کامیاب نگردیده اخبار رسمی برلین مینویسد از وقتیکه معلوم شده که دول به امارتهای مخصوصه بالکان فشار خواهند آورد و خود را در این انقلاب علیحده گذارده اند بطریق غیر مستقیم آلمان منافع خود را میگرد و منتظر اقدامات روس و استریا است با کمال سرگرمی تدارکات جنگی در اسلامبول دیده میشود، کوچهای اسلامبول ملو گردیده از قشون ردیف و منتهای شتاب از افراد ردیف در شرکت قشون دیده میشود

حکومتی و جاویدی که در حکومت کنونی عثمانی جزو وزراء نیستند با سایر جوانان حزب اتحاد و ترقی پیشقدمی نموده اند بطریق دو طلب در شرکت تحولات قشون

اعلیحضرت سلطان محمد خامس دیروز در لطق خردشان منیاب اجتماعات قشونی و هیجان ملی اظهار فرموده اند که خداوند نخواهد گذاشت که قبور آنها مکرم ما لنگد کوب سم شور اجانب گردد چنان گفته می شود که باعالی تدارکات جنگی را در سرحد قره دانغ کالای دیده و از (براه) آنها را میرانند

در سرفیه و بلگرید افتتاح فوق العاده پارلمان شده پادشاهان بلغار و سرویا نطق های هیجانات انگیز جنگ آمیز نموده اند

جهاز جنگی (مقدونیا) با آلات جنگی و چهارصد نفر قشون و جهاز دیگر با هزار قشون و سومی با هتصد قشون ذخیره بطرف (پیراس) روانه گردیدند بابائی بتاريخ ۱۴ اکتوبر به دول اطهار داشته که چون از علائم ظاهر میگردد که اورات زبانی نمایندگان دول در رفع سازش امارات بالکان بی فائده مانده این امر خواهد بود که نهران بالکان را دول بقوت و فشار خودکی بخشند، اهالی و قشون عثمانی از سلطه های دراز زحمت بجائی که از امارات بالکان یافته به تنگ آمده لذا آماده شده اند که آخرین تصفیه را با قوت بنمایند، هیجانات خیلی بالا گرفته هرگاه دول طول دهند فشار و مداخلت خود شتاب را بر امارات بالکان بقیناً بیجا لبریز خواهد شد و آینده اقدامات آنان بی اثر خواهد ماند این است که باعالی با کمال قوت خواست می نماید که دقیقه را در چنین موقع خوفناکی برایگان ندهند مخبر روتر از اسلامبول خبر میدهد که انجمن جنگی ۴ اکتوبر منعقد و ناطقین را حاضرین بزحمت می انداختند و امارات بالکان را بنشین یاد میکردند اجتماعات ملی که در خارج عمارت سلطنتی شده ناطقین اعلیحضرت سلطان را ایقان دادند که ملت حاضر است برای حفظ حقوق خود بگرفتن اسلحه و فداکاری نمودن در راه وطن خویش، اعلیحضرت سلطان در جواب فرمودند که بجزین ملت فداکاری حق جوی، متعزم، هزاران مردمان دو طلب از اطراف هجوم با اسلامبول آورده اند حکومت بلغار رسماً انکار می نماید افواهی که در خصوص حمله بلغاریان به قراولخانهای ترکی شده بود تا کنون چگونگی عقاید استریا در خصوص مداخلت دول در بالکان نرسیده ولی امید میرود که همراه با خیالات دول سائره مانند با اینکه دولت انگلیس خویشان را از شرکت دول بر مداخلت با مور اسلامبول علیحده ساخته باز امید میرود که نمایندگان استریا و روس فشار با امارات بالکان آورده پس نمایندگان برای اصلاحات مقدونیا با اسلامبول رجوع نمایند بر حسب تلگراف اسلامبول باعالی قطعی تصفیه نموده که مزاحمت های امارات بالکان را بقوت شمشیر جلوگیری کند و هیچگونه مداخلت دول را در امور داخلی خود نه پذیرد و نصایح شان را گوش ندهد و قشون خود را بکشماید و ابد اصلاحی را منظور ندارد تا وقتیکه نقشه اتحاد امارات بالکان را در هم نه بچد

پن کاکت  
 المصنوعه  
 HABLULMATAIN  
 4, MEDICAL COLLEGE  
 CALCUTT.

و کلاه حق باشد ایونه بدون قبض ندارد و تا وقتی که  
 مشارکین را قبض مخصوص سال بیست دست نباشد  
 قضا شان بری شناخته میشود  
 نامه مقدس

( قیمت اشتراک )  
 سالانه — شش ماهه  
 هند و برمه

# المصنوعه

مور اداره بامدر  
 بدالاسلام است  
 دوشنبه طبع  
 شنبه توزیع میشود  
 بوم دوشنبه  
 ذیحده ۱۳۳۰ هجری

۱۲ روپیه — ۷ روپیه  
 ارباب و افساندار  
 ۴۰ قران — ۲۵ قران  
 عمانی و مصر  
 ۵ محبدي — ۳ محبدي  
 اروپا و چین  
 ۳۰ فرانك — ۱۶ فرانك

سنه ۱۳۱۱ هجری

مصادف با  
 اکتوبر ۱۹۱۲ میلادی ( معروف اداره درج نمیشود )  
 ۱۰ منات — ۶ منات

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود  
 مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست

### اخبارات الكاف

بنکه نظر عمیقانه به پیش آمد های بالکان  
 در اول وهله این نکته ملحوظ خواهد شد  
 که امارات بالکان لایدا متحرک با اشارات سیاسی یک  
 ت از دول متحده میباشد. خود و اختیار بل  
 رات روس در حکومت قره قراغ و سرویا و  
 از چندان لازم به بیان است و کان می رود که  
 روس مائل به جنبش آمانت نبودی چنین  
 کت جسورانه از آها سرزد می شدی اگر چه تمام  
 منافع مخصوصه برای خود در بالکان و  
 ز دارد نیاز دعوی میباشد. ولی به تقاض  
 سیون اغراض آستریا و روس بیش از سایرین  
 رقابت این دو دولت هم محتاج به بیان  
 ت و میتوان بالکان را سبب عمده تشکیل  
 د مثلث و اتساق تلافی داشت. از مسلمات  
 سیه است که روزی بالکان سبب جنگ روس  
 آستریا خواهد گردید و چندان دور نرفته  
 ر بگوئیم آن روز نزدیک رسیده است.  
 بزرگترین مشکلات سیاسی امروزه دولت انگلیس  
 پیش آمده. جز نظر به شرکت در اتساق تلافی  
 گاه بین روس و آستریا جنگ پیش آید دولت  
 لیس کاملاً بی طرف نتواند ماند — و چون  
 مقصود روس باز شدت بوغاز دار دنلز  
 ری جهازات جنگی خویش است و لایدا  
 سیه انگلیس از روس منجر به مخالفت

عمانی تواند شد و مخالفت انگلیس با عثمانی مورد  
 اشمناز و تشر تمام مسلمانان دنیا و صد ملیون  
 رعایای اسلامی وی خواهد گردید. و  
 این نقرت خیر خواهی رعایای اسلامی که ( سیاست  
 انگلیس را در هند و سایر مستعمرات بهترین  
 سیر شناخته آمده ) بیعاً متزعمین تواند ساخت  
 و ممکن هم هست که در حمایت روس مبتلای  
 جنگ بزرگ آلمان که سالهاست از او  
 فرار می نماید ) شده به فدیة لکوک ها قشون  
 خویش و ملیارها ثروت ملت خود مجبور  
 گردیده. عاقبت نتیجه آن چه شود هم معلوم  
 نیست.  
 بعضی از دانایان چین رای میدهند که دولت  
 انگلیس کاملاً بی طرفی اختیار نموده علیحدگی  
 از اتساق تلافی کرده مساکنی خود مختار  
 اختیار نماید اگر چه این مسلک رفع نقصانی  
 چند را از انگلیس تواند نمود. ولی اشمناز  
 و نقرت رعایای اسلامی خود را دفع نتواند  
 کرد. چنانچه در وقت ترابلس ما آنکه دولت  
 انگلیس بی طرفی خود را اعلام نمود ترضیه  
 خواهر رعایای اسلامی خود را نتوانست جاب نمود  
 خصوصاً حله بیجای امارات متحده بالکان عثمانی و  
 هیجانت عوالم مسیحیت در حایه اقدامات ناحق  
 امارات بالکان و فرستادن قشون دو طلب و دادن  
 اعانه های جنگی با آنها و پاره سرانی برخی کشیشان



بر خلاف اسلام و خلافت عثمانی و اعلاّت امارات در اینکه این جنگ را بحاجت مسیحیان رعایای عثمانی نماید. علایه جهاد علیه مسیحیت را برخلاف اسلام آشکارا میدارد، و چنانچه وقایع نگار روزنامه خمس نگاشته است: | ~~ک~~ در قلوب اسلامیان حای گزین گردیده که عوام مسیحیت عموماً برخلاف دول اسلامی و محو استقلال ایشان متحد گردیده اند. | چون دولت انگلیس نمیتواند خود را از مسیحیت خراج بداند و لم یطرفی اختیار کند ممکن است رفع چنین سوء ظنی را از رعایای اسلامی خود نتواند نمود. علاوه بر این منافع سیاسی دولت انگلیس در بطرفی حررت نمیدد، زیرا که علایه باوجود سرپرستی بر جزیره کریت و نگرانی چهاردولت بر آن، دولت یونان الحاق و برانموده و در حقیقت اگر کریت ملحق به یونان گردد سروری پیش خواهد آمد که جزیره کریت که متنازع تمام بالکان و بوزاردارانلزشناخته شده که آلا بدست روس یا آسریا افتاده زحمت صد ساله دولت انگلیس در حاکم گیری (از روس چنانچه در ایران برود شده) در یونان هم معدوم گردد. بقییده ما حفظ منافع بالکان در این است که هر چه ممکن شود دخالت جدی در جانت بالکان نودد عثمانی را حمایت هم امراض سیاسی خویش را حاجب و هندوستان را از خیرات آینه ده محظ دارد و هم مزید محبت و توجه اسلامیان علیه خاصه صدایون رعایای اسلامی خویش گردد

با اینکه عموم سیاست توجّه شان در این جنگ بر طرف آلمان معطوف است ولی این دولت قدر تاکنون هیچ اقدامی نودد که بتوان از آن استنباط نمود که روی خاطرش بکدام جانب است. چیزی که توجّه صدایون را رجحان داده ها، شمولیت آلمان با آسریا بنابر اتحاد ماث است چه اگر روس و آسریا در این مذمت هم اوفتند کث

نمود که آلمان بیطرف تواند ماند و اگر دولت انگلیس بحاجت روس بنابر اتفاق تلافی باقی ماند با آن رقابت دیرینه آلمان و انگلیس خواه مخواه نثره جنگ بالا گرفته کلبه اروپا بلکه آسریا و آفریقا را احاطه خواهد نمود. ولی عقیده ما بر آن است که تمام این مباحثها برای ربودن لحاف ملا نصرالدین است. یعنی اروپائیان که سر تا پا نفع خویش می جویند ما این جزئیات هم ابقشاده صرف ثروت و قدره جاهای عزیز خودشان را نخواهند نمود. تمام این نقشه برای حاج فائده از عثمانی و مسلمانان است. چنانچه فراسه مراکو را برد و آلمان بمغربه تن در داد. ایتالی ضرابنس را نصاحب نمود و هفت سانی که صاحب شود به الحاق مصر هم باید ایداد نمود. بهانه انگلیس هم منقول خواهد بود که همین سلونی که با ایتالی نموده شده با ما هم باید بشود. مسلم است که پس از الحاق دعوای حقوق قدیمه مصر که مالکیت بر اراضی حجاز باشد پیش خواهد آمد و بالاخره جزیره العرب اسماً ملحق بمصر خواهد شد

این بازهای سیاسی روس و آسریا را بهوس انداخته نقشه امروزه بالکان را پیش آوردند. اگر چه امروزه دول زمزمه مینمایند یعنی در یادداشت خودشان باامارات بالکان نگاشته که در صورت جنگ نمیتوانند از ملک عثمانی فایده برگیرند. ولی در باطن این سخن را بگوش عثمانی رسانیده که اگر بر اموات بالکان غالب آمدی انتفاع ملکی نتوانی برد چنانچه در جنگ یونان نموده الحاق کریت را بوی اسباب چینی کردند و اگر قصد شان عبراز این بود قبل از جنگ با مخالفت ظامری دول آریه ایتالی - روس - فرانس - انگلیس علایه یونان الحاق جزیره کریت را اعلان نمی داد. هیچ ذمهدرکی تصور نتواند نمود که یونان با آن سف تو و خرابی مالیه از یکطرف

در صورتی هم که شکست یابند در کانگریس که  
مد ازیان جنگ دول عظام نصراً آشکار خواهند داد  
نفع شان مراعات خواهد گردید . چنانچه بعد از  
شکست بران نفع وی را ملحوظ داشتند ، طن  
متأخیم به عداست که این کانگریس درباریس شود  
و نقشه آن قبل از وقت بین دول عظام اروپا  
تعقیب یافته باشد

اما عثمانی بدون شبهه چه حیثیت مانی و چه به  
حیثیت فتونی و ذخیره عسکری و چه بحریات  
جنگی مزیت بر اطارات مشقه بالکنان دارد .  
فقط مشکلی که وی را در پیش میباشد این است که  
بعد از فتح چه خواهد شد و چگونه تواند بحیره  
فتوحات خویش را تقویت کند از آن طرف حیثیات  
علمیه مسیحیان برخلاف اوست و از طرف دیگر دول  
مسیحیانه رضا نخواهند دادند فوی عثمانی در اروپا  
زیاده شود و بعید نیست که در دو یا یک از هیئت  
های متحده دول برخلاف این بر حیزد ولی چون  
رفایت دو هیئت مذکور در مداره بالا گرفته اند  
میتوان یافت بود که یکی از این هیئت  
شرفیاری از عثمانی نماید بیارت ساندو اگر  
همان مانند جنگی مالا از جهت اطارات بالکان  
بعد از حاکم جنگ گردد مفضی انصرام شده و  
نترات فتح خود را خواهد چسبد و دره بجای نفع  
نقصان خواهد برد

بزرگترین سهو عثمانیان این بود که در موقع  
حمله ایتالی بر مراپلس که علناً بر خلاف معاهده  
بران بود ( چه دول امضا کننده معاهده بران  
به تمامیت مالک عثمانی و استقلال شاهنشاهی وی  
تعهد کرده

و بر حسب همان معاهده ریاستهای بالکان هم از  
دخالت عثمانی محفوظ ماند در صورتیکه آنان مراعات  
مواد معاهده بران را نمودند اگر عثمانی هم نمی  
نمود ابتدا محل اعتراض نمیشد یعنی می بایست که

مستعد جنگ با عثمانی شود و از طرف دیگر با مخالفت  
دول اربیه الحاق جزیره صکریت را اعلان نماید  
و این عمل نیست مگر سازش درونی دول واقعیدانان  
سری که دول اربیه یا بعضی از آنان به یونان داده  
باشند -

درست اگر نارین شویم دیده خواهد شد که  
عثمانی را چنان چهارموجه نموده که جز صلح ایتالی  
چاره ندارد . همین که صلح با ایتالی نمود جز  
به پیش آمدن آنچه نخواستیم در خصوص مصر و حبشه  
و جزیره العرب پیش نتواند آمد ، چه اگر عثمانی با  
ایتالی صلح نماید چهارات جنگی اش از محاصره  
بیرون نتواند آید . و یونان با چهارات جنگی  
خود بر سواحل عثمانی تواند تاحث و ایتالی  
را هم موقع حمله بر سواحل اروپای شرقی پیش  
تواند آید

بالجمه ظاهراً هیچگونه خوبی از استمداد های  
جنگی اطارات بالکان بر عثمانی نیست چه اطارات  
اگر چه بروی کانتد دارای یک میلیون فتونند  
ولی تمام شان پیش از ۱۸۰۰۰۰ هزار فتون بپیمان  
جنگ نتوانند وارد نمود ، زیرا که مایه آنها  
کافی از چنان لشکر کسی است و نه در هر جنگی  
شان آنچه بروی کانتد قوای اطارات بالکان آمده  
۴۰۰۰۰۰ هزار نفر ۳۰۰۰۰۰ سرباز ۱۶۰۰۰۰  
یونان چند هزار نفره صلح است . فرضاً هر  
هزار هم دو حلب بر آنها افزوده تواند شد ولی  
با آن نفس مایه و ذخیره که دار نموده و عدم  
تجربه جنگی فقط باینکه ولی عهد های اطارات  
اربیه بالکان به کاندان جنگ نامزد آمده اند -  
کامیاب نتوانند گردید

بنت گرمی اطارات بالکان بدو امر است - اول  
همدردی عوام مسیحیت نسبت به آنها که در صورتی  
هم قابل شویم بر اینکه دول بزرگ عرک آنان نیستند  
حیثیات ملی اروپا دول بزرگ را جبراً بتایید آنان  
مجبور تواند ساخت ، و نیز ایتان دارند بر اینکه

ر هائ وقت عثمانی هم حمله به یونان  
فره ضلع و نبره نموده موقع میداد که  
امارات بالکات متصد شده در این مدت یکسال  
سعداد تهیه نموده فدا بر عثمانی بنام - در آموغ  
قوای عثمانی که و هیچگونه مناقشات داخلی  
هم پیش نیامده بود ولی تیر از شصت رها شده  
را کسی باز نتواند کرداد

مشکلات دیگر عثمانی این است که در داخله  
خود راه آهن که دارد و اردوهای چهارگانه وی  
که بید مقابله جبار خصم کند سرعت نمیتوانند  
یکدیگر نماید برسانند اگر چه همین جهت ورود  
خصم هم بخاک او خالی از اشکال نیست ولی بازم  
رای عثمانی خیلی صعوبت پیش تواند آورد -

باخته اگر چه تاکنون نمیتوان گفت باب  
مصالحات و جلوگیری جنگ بسته آمده ولی باوضی  
که امروزه در باسکان دیده میشود جنگ حتمی و  
زمانی هم طول خواهد کشید - چه بدداشت دولت  
را هم امارات باسکان - آورد داشته ، هم باستانی  
زیر بار رفته یکی بعد دیگری هم امارات باسکان  
سرای خودشان را از اسلامبول طلب نموده اند -  
در ضلع که پیش قدم این جنگ شده زاید  
انوصف خودنمایی نموده با مزه تر آنکه تلگرافاتی  
را که اشاعه میدهد تمام اعراق و مزید خودنمای  
است بکان این است که زود تر از همه یونان  
پیش پای خود نشاند - چه برآ و بحرآ عثمانی با  
مناهی سهولت وی را آرام تواند کرد - هر گاه  
جهازات جنگی عثمانی سریعاً از محاسره  
پروث آید قوت حکومت عثمانی در سر  
کوبی امارات بالکات خیلی مزید خواهد گردید  
و سواحل بلغار و یونان زود تر به  
تصاحب عثمانی تواند در آمد ، پیش از همه که  
عثمانیان را در مصالحت با ایتالی نرم نموده همانا  
انقلابات بالکات است - هر صورت تا

آن درجه که خطر در سیاح برای عثمانی متصوره  
است در جنگ نیست چه همین که جوش و خروش  
نمایان خشمه بظرد بدون شیر - اائل دیگر از قبیل  
عصر - کریت - مقدونیا - نوبی بازار - و این  
و نبره پیش خواهد آمد و مجدداً جوش و خروش  
سدکی امروزی عثمانی خالی از اشکال نخواهد بود  
ماده که صاحب با ایتالی و رها نمودن امیراب به  
بیشکال خونخوارانه او طبعاً همدردی مسلمانان را  
بیت به عثمانی کم خواهد ساخت - اگر چه ما  
قائلیم که عثمانی را از صاحب با ایتالی امروزه چاره  
است ، ولی این نکته را به نامه فیهامدست  
نالی از اشکال نمیدانند -

توجه از مارتنک لیدر لندن

( روسی ساختن ابراب )

( چشم دید يك از انگلیس )

( سیاحت مسر جادج دكلس ترو )

از اخبارات مسیحیه که چگونه روسیه  
مجداست بر اینکه ایرانیان را روسی سازد يك از  
افشاء مظلومی است که توجه انگلستان بر آن اشده  
زوم را دارد بزرگترین شاهد این مقال عناوی است  
که مستر جورج دكلس ترو که شرکت دماغ مسیحیه  
در ممدات رفته و مومع مسافرت به تبریز و  
حاصل نمودن حقیقت واقعات را یافته است بیان  
کرده ، مشاورانیه بدارالسلاطه آذر یا شجان ( تبریز )  
۱۵ آگست رسیده بوقایع نگاران دلی نوز و ما  
ذکر نمود که دولت روس با ایرانیان قسمی  
سلوک مینماید که گویا رنمای خود و ممالک روسیه  
است - انوموبل روس از جلنا تا تبریز که  
۸۰ میل است متصل به آمد و رفت میباشد  
سپاهیان روس با شمیرهای برهنه در بازار تبریز  
گشت نموده نسبت به ایرانیان مملای مد سلوکی  
را مینمایند

بقول منزی الیه از هر اقدام روس چنانست

مزشح میشود که قبضه او بر آذر بانجان دائمی و هیچ علامتی ظاهر نمیشود که روس قصد تخلیه این منکته را داشته باشد، در بازارهای تبریز اسکناس روس مروج و در راه آنچه خریداری نمودم قیمت آن را پول روسی (کپیک) مجبورا دادم - و برای خورد نمودن نوت بانک شاهنشاهی سخت دقت پیش می‌آمد، تمام عمارات دولتی تبریز قبضه روسیان در آمده، از تماشای میدان مشق و مقام رئیس پولیس روسیانت مرا مانع آمده و گفتند که عمارت سلطنتی اوک که قلعه بزرگ و وسط شهر واقع است دیدن ممکن نیست و من هم برای روس در آنجا کوشش نمودم عمارت رسمی دیگر بزمایند یاق شیل و شبس گاه فرمانفرما همین شکی را پیدا نمود در تمام این مقامات قانون روس ساخلو است

( ماه و نوبت اهالی اروپا )

مشار الیه نظر داشت که اروپائیان مقیم تبریز همراه مامون بوده، از طرف مشروطه خواهان و نه از طرف مستبدین و بیگانه در فشار نیامده اند - فقط عمارات آن چون در مقام مصادره واقع گردیده خوف رسیدن گلوله بر آنها میرود، فدائیان مشروطیت که روسیان شان نیست و نایب ساخته بازاری اظهار میداشتنند که اگر ما را رجحانی از خرجیان هست فقط از روسیان است و بس

مستر ترنر هت ماه بعد از آنکه روس اساجه از کایه فدائیان مشروطیت گرفته بود و شرح آن واقعات را مستر شوستر در کتاب خود نگاشته و او در تبریز گردیده در آگست ماه که او به تبریز رسید در دو کوجه دار نصب و یکی دو روز قبل از ورود او یکرا بدار زده بودند، دینب اشارت به تمام واقعات صحیح چشم دید خود را با دایک و بنه با نایت و تنگهای مظالم چند که روسیان در تبریز مرتکب شده بودند تمام را به ما نشان داد و این عیناً همان تصاویری است که در مراغه خود پروفیسر برون به روز نامجات دیلی نیوز و غیره تاریخ ۱۳ آگست اشاره نموده است

اگر نظر بدان اعمال شود که روسیانت بعد از گرفتن اسلحه از فدائیان مشروطیت مرتکب شده کمال بیوقوفی و روسیان ظالم تواند گردید -

و بر قرضی هم تسلیم شود که فدائیان مشروطیت بدو برافشون روس شایک نموده باز هم خواهم دست که در واقعات مصادره حرکات ظالمانه که از روسیانت بروز نموده دال است برای که حملات ایرانیان بوقشون روس از راه مدافعه بوده تمام اثرات بروسیانت عاند است که هزاران فدائیان در جنت مقبول و بسیاری از بیگانهان و بیطرفان هم کشته آمده و البته در آن مهله نیز از روسیانت هم خیلی بقتل رسیده اند

( بد از ختم جنت بدار زدن ایرانیان )

بد از بیان واقعات جنت از ۲۰ دسمبر سنه ۱۹۱۱ تا آخر ماه (مسترزور) نصب دارها را بیان کرد - قبل از آنکه صد خان شیخالدوله را بحکومت تبریز برگردند دار زدن تبریزیانت شروع شده بود - روسیانت به فقط دمه دار دار زدن آن اشخاصی هستند که خود شایک مرتکب شده بلکه دمه دار قتل های حکومتی هم که خود شان مقروم داشته (بسی صد خان) میباشد چگونه میتوان روس را برای فرار داد از مظالم حکومتی خودش معین کرده و از جمله مظالم است که بیچارگان را در آب انداخته و اندازه زده که غرق شده و هر کس اسم مشروطیت را بزبان آورده دعایش را دوخته و بسیاری را مل اسب زده در بازار میدواندند

از دسمبر گذشته تا کنون هر کس رجحان مشروطیت دیده میشد ولو هر قدر متمول و معزز بود ایمن و آسوده نتوانست زیست و در همان ماه از خاندان های بیکناه بچه زن و مرد خیلی بقتل رسیدند - چندجه ظانکی سه ساله که بصورتش گلوله خورده ۲۵ ساعت در زیر گهواره خویش افتاده بود در آخر بیانات خود (مسترزور) اظهار داشت که با هر کس از ایرانیان من صحبت داشتم مستر شوستر را برای کاری که طلب شده بود خیلی قابل و لایق ذکر کرده میگفتند که اگر مستر شوستر موقع و مهلت یافته بود و بحال خود او را میگذاشتند که لاف موفق با اصلاحات ایران میکردید. در باره وی با روسیانت هیچگونه صحبت نکردم ولی با عربک از سائر ملل و اقوام که صحبت نمودم احدی حرمت از رفتار و کردار مستر شوستر نمی نمود



ترجمه از روزنامه طمس مورخه ۲ ستمبر

( سنه ۱۹۱۲ )

( جوش اتحاد اسلام در هندوستان )

( نتیجه آمیختن )

وقایع نگار مخصوص طمس لندن از هندوستان  
روزنامه بوصوف می نگارد، سابقاً مردم به ذکر  
اتحاد اسلام و هجرت مسلمانان میخندیدند و از  
آن بد زمانی در سیدنا زاید الوصف در موضوع  
اتحاد اسلامی مباحث میرفت و آن پیش کوئی های  
هونک که در آن موت می نمودند هیچ صورت  
پوز نمودند. در این روز مسلمانی اتحاد اسلام را  
بسیاری از هندوستان خیر برای و کثرت حیاتی از باب  
دین و غیره در هندوستان می بینند که در  
مشاور اتحاد اسلام در این می باشد که در  
هر چه زمان تصور بود در این اتحاد و هجرت  
سنگین اسلامیت در اروپا همه برای است  
که جانی زیر از برای بر برای معری است  
مجمع آمده و از آنجا پذیرا از جرای مخصوص  
نظرات سروریه در این خصوص بسیار فرستاده  
میشود و اندک اندک عساکر زده را در حال خود  
میسازند. توفیق در تمام اسلامیت در این خصوص  
شده میان نصیبی آن کامرا بدرازا میباشند. حفظ  
همین قدر کافی است که با نورانیم در انزلی که  
از اتحاد اسلام در مسلمانان مذمت مختلفه هند بیدار  
آمده که تعاقب و انزاس ما در آن بیشتر است  
( تحولات امیر افغانستان )

نتیجه حال عهد الحمید و محمد علی این شد که  
امیر خود را قاید و پیشوای عشق مسلمانان در  
پادشاهه سلطان محمد خلیل سلطان بنام احمد  
شاه منصور پادشاه ایران را باز بجهت دست دیگران  
نصیب میکند. مسلمانان را نو تحت فطرت  
فراسه و خدیو مصر هر تحت امر انگلیسار وقت  
است. این گونه اشهارات در کابل و ترغیب سردار  
هرات و تشویقات قایدین روحانی افغانان از سبب  
گرفته که امیر خود را بیکه از میدان اسلام و عایه  
امید واری مسلمانان بداند. از برقراری افسران  
ترکی در قشون افغانستان بین کابل و اسلامبول  
یک گونه رابطه سیاسی تولید شده و نمایندگانی  
امیر در مقامات متبرکه مانند مکه ... مدینه ... بغداد

وجود و در کربلا و نجف که مراکز مقدسه  
شینه شفاعت آمده بین رعایای افغانستان و اهالی آن  
مقامات روابط قایم گردیده است. این ترتیبات مخصوصاً  
مسلمانان هند یک گونه تولید جوش و خروش نموده و  
اشغال کما اینکه از اروپا نسبت به عوام اسلام میشود  
حسبات مسلمانان عالم را در قالب جدیدی ریخته است.  
مسلمانان وفادار هندوستان واقعات ایران - مراکو  
و اربلس را یکا گم که سازش تصور میکنند که  
اروپائیان برای الحاق بقوه تمام اسلامیه اختیار  
نموده اند. این مسئله در هندوستان و سرحدات  
افغانستان با الله عوام و عطف می شود و می فباید  
که پس از الحاق تمام اسلامیه عیسویان بشرق  
دست مسلمانان را بر می خواهند ساخت. شاید  
بلا و از این جهت برای بر حیات و حورش مسلمانان  
تصور شده. ازین است که حورش و حورش بنگر  
مسلمانان بصورت خیلی دهشتناکی مورد آزر دیده است  
( اثرات جنگ خرابلس )

این نکته را باید دانست که مسلمانان هندوستان  
واقعات دور و دور تمام اسلامیه را با مذمتی  
نور و تمام مینگرند ولو اخبارات دیر میرسد و  
مسلمانان هم بدیر منتظت میشوند. واقعات مراکو که  
خیلی دور از هندوستان بود اثرات که بمسلمانان  
بخشود. خبر حیرت انگیز است. متقاب آن واقعات  
سرابلس خیلی اسباب برقراری مسلمانان گردید. اثرات  
این جنگ بلا تر از اثرات جنگی است که بر ضد  
خلافت اسلامی در سال ۱۸۹۷ از یونان سرزد  
و ضمناً اثرات اقدامات سوسیالیان در جمیع ممالک اسلامی  
مزید بر آن گردیده است. بسیاری از خوش  
عقیده های اسلامی چنین تصور میکنند که مهدی  
موعود از افرا ظاهر خواهد گردید و شاهد بر  
این مقال اقدامات شیخ سوسی است که نمایندگانش  
در ممالک اسلامیه مشاغل به گشت و گذارند -  
باید غور نمود که در میان عوام اسلام این گونه  
تقایدوا اشاعه دادن چندان دشواری ندارد. چه در  
اراضی مقدسه حجاز از عرضتف و طبقه اسلام می  
آید. چند نفر نمایندگی که در آنجا موجود شود جزئیات  
مسائل راجه عوام اسلام به تمام دنیا انتشار توانیافت،  
و به همین وضع واقعات خرابلس دور و نزدیک  
رسیده و میرسد. و چنان آوی بر مسلمانان عالم

بخشیده که مالی اش تا امروز دیده نشده است

( عملیات روس و انگلیس در ایران )

اما ایران - دلبازان هند تا درجه میدانند که چه مشکلات سر ادورد گری را از اینستاد در پیش است - از یکطرف پیش آمد های اروپا تقاضا می نماید - و از طرف دیگر روس و انگلیس باید قیام ماند - ولی بسیاری مشکوک اند که آیا آن درجه که سر ادورد گری به روی از مقاصد روس می کنند لازم است یا نه ؟ اهالی هند بدو تعجب می نمودند که چگونه ما بر هر دعای روس در ایرات تسلیم می شویم و بنا بر برخی تسلیمات در عقاید مسلمانان به یک آیه ما در ایران شک پیدا شده است ، چه هیچکس قبول نمی تواند نمود که بر حسب مقتضیات وقت دیانت حلیل القدری مانند انگلیس یک دوره پر از خیالات ، تسلیم مطلق به بیخه های روس در ایران گردد مگر اینکه در مان فراری و مدارای بی نشان داده شده شد پس هر چه تصور می کنند که در ایران همسازش مسیحیت بر خلاف مسلمان واقع شده است - و تا درجه فشارهای ما هر در ایران آن عقیده را ثبوت می کنند - ابداً میانه نیست که متابعت ما از روس در مساللات ایران او شدیدی و فلوب مساللات هند اداخته و از این امر اخصه بزرگی بر وقار و عظمت ما در نظر مسلمانان واقع آمده ، حرکات روس در مشهد و نواح آن که در قریه اخبار تش بدویه زامین هندوستان رسیده پیش از پیش خیالات مسلمانان را هیچ آمده به مرادیکه هر فرد بشر او را به نظر عظمت ، توقیر می نگرد - ارات کاکوله ریختن مورت مرآونه شربت و ملامت است ، بدقسمتی ما آن است که آنچه روس در ایرات می نماید دولت انگلیس شریک آن شناخته آمده

نتیجه این - حکایت آن شده که مسلمانان هند و گرد و نواح آن بمری مشعل و به هجرت آمده اند که خیلی ارات خوفناک بر آن مترب است - هر روز نامه اسلامی که قرائت شود دیده می شود که تملو از مظالم بر مسلمان سخنانه عالم است که عیسویان بر خلاف سلاطین اسلامی سازش و اختیار نموده ، از ایشان اعانه جنگی را

بترکان دادن لازم آید و میگوید بر مسلمانان فرض است که با یکدیگر و یکجهتی صیانت اساس مذهب خود را بخایند ، روزنامهجات خود به مسلمانان می فرستند که دولت انگلیس از همراهی مسلمان دست بردار شده و مسئله شرقی بنگال را شاهد متعال خود می آورند ، و نطق مسر موزانگ که مسلمانان را اقوام مختلفه ، و در بر حتمه انگلیس تحت مووت ناراضی گردیده ، هرکس واقف بحال احوالی دهلی ، لکهنو ، لاهور ، پشاور است بخود میداند که از چند ماه بانصرف جقدر ترک و عرب درین اضراف تودر نموده و در زیارتگاههای مشهور هند که مسجد کعبه و احقر است و در آن قبور نبوت زادی از زائرین اسلام خاصه از رحلت افاضان ، اسمرانه و بغداد و قسطنطنیه زیارت می آید بواسطه شالی هند بخود می تواند گفت که در موسم بار گذشته چه قدر بیساح ترکی و عرب آمده که ساداتی آمده

( بنام موداری افغان )

آنچه نوشتیم صحیح باشد بر قیام چیزی است که نخیل بر آن دور است ولی بیژی که متعلق غایبه میباشد این است - در مسلمان روی و وفادار انگلستان با اندازه حوش و خروش بیدار آمده که سابقاً دیده نشده بود - تکلمه با بسیاری از بزرگان اسلام در این خصوص مباحثه نموده که هیچ شبهه در وفاداری آنان نبود - و هر دلیل که با آنها صحبت داشته شود آنرا نمی بخشند ، عقیده شان این است که در هر مقام بر مساللات خیالی - حقی و بد سلوکی میشود و آنچه در ایران واقع شده تمام به ترضیه و سکوت دولت انگلیس بوده و تمام حالات بر اسلام را قبول از جهت دول اروپا بین خودشان ترضیه نموده اند و سریر در این ملامت سلطنت اسلامی را باقی نخواهند گذارد ، این است که تمام مسلمانان افغانستان را آخرین سلطنت اسلامی آزاد تصور می نمایند - از ترکی و عرب بطریق نمایندگی در کابل آمد و رفت دارند ، روزنامه جات اسلامی خوبی در تریف امیر مبالغه میکنند و مقام امینی خوف در همین نکته است که امیر کابل زاید بر حد خویش خود را شناخته ، و قتی که این قدر تریف و توصیف خود را بشنود

و خیال نام آوری بسکه او آید و جماعت متمصب شوریده اسلامی در گرد و نواح وی چنانچه جمع اند پیش شوند ممکن است از جاده مستقیم منحرف و آن وقت درباریان وی را باطلان حمایت اسلام و ادار سازند - اینک افغانستان به صرف ایران دست تصرف دراز کرده خوف آن است که در کامیابی های مختصره امیر در عالم فخر مخور و در وادی غرور از جمله خویش بیرون بخواهد اینک اسلام را معین و مددگار آید اعلاّت جهاد در عهد چیه از دیر باز ملاها در آفت نواح به مواظبت حادیه مشغولند این امر به کجا منتهی شود امروزه نمی توان گفت و مرا ایست است نه سابق آن خیلی بزرگ خواهد بود .

هندوستان و نواح غرب و جوار آن به هوای برق آسا احاطه شده . رمایای وفادار اسلامی هندوستان از مساک دولت انگلیس خیلی مشوش و بریشانند نه این ها کتاب میخوانند و از مساک ، مصالح اروپا ، آفرینند - این امر با آرزویجات بایدگان اتحاد اسلامی برای ما خیلی خوفناک نظر می آید . از این رو در ایران و سایر مقامات اسلامی ما باید ازین وید کاری بکنیم ، مزید کیمکی مساک از گردد بلکه باید سریعاً در رفع اعدائیکه بر حلاف دول اسلامیه میشود بکوشیم .

( مقاله افتتاحیه ضمن )

( بر نگارشات فوق )

مراجه را که ما امروز در خوف هیجان اتحاد اسلام اشانه داده ایم از قلم یکی از دانایان است که مدتها موقع باقیه در شور و قنار آزات مذهبی اهالی آسیا و جوش ناگه اتحاد اسلامی . ما برحمت و نتیجه آنچه نگاشته شک نداریم . کسیکه موقع باقیه رای نذااردن دست به نبض اسلامیات شک ندارند به خطرات جوش اتحاد اسلام و ترقی روز افزون آن . ولی نه عقیده ما زیرا که ما فرقی میگذاریم در جوش اسلامی امروزه و هیجان مسلمانان سابق ، در دوره اول منبع این هیجان ها اسلامبول شناخته میشد و سلطان عبدالحمید باعراض خویش مهیج این افکار بود . ولی این موقع بیدایش این هیجان خود بخود شده و مؤثرتر و عالمگیرتر است . فقط برای یک امر مخصوصی منظم نگردیده است . جوش

امروزه مسلمانان مبنی بر این است که عیسویات سازش نموده اند که سلطنتهای اسلامی دنیا را فشار آورده مضمحل سازند . استحکام این عقیده از این است که در هر جا خیالات مسلمانان بهین یک نکته رفته است . و نوائیکه مساک اروپایان در توسعه سلطنت بلتیک باشند ولی عقیده مسلمانان بتصورات مذهبی است و در قلوب آنها این عقیده راسخ و محکم جوی گزین شده که این نزاع قدیمی و نانی از سنک صلیب است - از ب این بقید را رای این است که در هر وقت و موقع فشار مساک یک نفر حامی اسلام ظهور خواهد نمود . فرق حقیقی بین هیجان اسلامی سابق و امروز این است که در این اوان اتحاد اسلام کسب عمومیت نموده و بدین سبب از شالی چین تا مراکو مسلمانان متحرک و مهیج بقرار می آید ، ولی پیش از مسلمانان هندوستان در هیچ نقطه این شور و خروش نظر نمی رود .

وقایع نگار ما صحیح نگاشته حظه در جنگ ۱۸۹۷ که بین یونان و عثمانی شد و نو آزات شدید بر قلوب مسلمانان و افغانستان وارد آورد آت جوش از روی حقیقت اتحادیه اسلام بود که امروزه هست ، مسلمانان بلاد معتبره هند بهین خوشوقتند که خاینه عزت اسلام را بر قرار گذاشته ، امیر عبدالرحمن حاکم مرحوم از روی جوش مذهبی سلطان مغلو را تریب بصدور حکم جهاد داد و ازین رو در شاک شهر سرحد افغانستان غداری و مخالفت آغاز گردید و او آن جوش مختصر از اتحاد اسلامی بود ولی نتیجه حرکت تمام عوالم اسلام بود . امروزه مسلمانان هند از روی مدرك و فوج صحیح درد سایر مسلمانان را احساس مینمایند که آن سلطنتی که تحت لوای هلال رای نام بود در معرض انقراض آمده است - و این وضع و پیش آمد نمیتوان بی خیال ماند چنانچه بازده سال قبل می ماندیم

بعض مطالب وقایع نگار مذکور فوق بقصد ما خیلی لازم الترمیم است . شك نیست کدامیر حبیب الله پادشاه افغان خیلی ذکی و فهمیم و کسیکه تعلق ناری حاصل نموده بخوبی مامنت شده که به اندازه ذکاوت و فهم خود مدبر است و صفاسکه برای مساک مجاهد لازم است در او دیده نمیشود و آنچه را با

کمال فخر و خواهمندی اظهار مینماید عملیاتش بنظر  
نمیرسد. اندازه قوای قشونی افغانستان در بلوای  
اعالی (خوست) بخوبی معلوم گردید. این نکته را  
واقعاً باید دانست که رسوخ و نفوذ علمای در  
افغانستان این ایام با اندازه رسیده که در هیچ زمان  
نبوده است. اگر افغانستان آن عقاید را که نسبت  
باز ذکر شده بموقع اجرا آورد بایدگفت که امواج  
فتار طیباً اورا خواهد نشاند. بر هیچ امدامات امیر  
و عملیات او برای هندوستان زیانی متصور نیست.  
نامه نگار مذکور الشوق توجه را بحركات سناسیون  
افریقا خیلی قوت میدهد ولی بیشتر حصص ممالک  
اسلامیه عالم از سنوسیان واقف نیستند

البته از این امر هرکس آگاه هست که روزنامهجات  
اسلامی هندوستان ممالک انگلیس را در ایران خیلی  
بایستندیده و شرکت دولت برطانیه را بدروس  
در وسط آسیا ابدائی پسندند. بسیار این عقیده  
خیالی است. بر قلوب مسلمانان جای گزین شده چنین  
ایمان نموده که دول مسیحیه سازش کرده که  
محو استقلال سلطنت های اسلامی را بمانند بپیچ  
دلیل ادعایشان نمیتوان زد چه در قلوب مشرفیان  
اگر خیالی راسخ گردید با هزاران پند محو آن  
ممکن نیست. ما متفق با نامه نگار خود هستیم  
که چنین عقیده در مسلمانان تولید شده است. ولی  
اتفاق با عقیده وی نداریم که هیچگونه اقدامی  
اساس این عقیده را مهتم نمی تواند ساخت

مقصود اصلی وقایع نکار ما این است که ما  
مسلک خارجی خود ما را بر آفت خوفیکه او را  
دامنگیر گردیده تبدیل نمایم. او میخواهد که عقد  
موافقت خود ما را با روس سایر آن عقیده که  
هیچگونه سرویانی برایش آن تصدیق نشده برهم  
زنیم که میزان اعتدال و بنای اتحاد دولی اروپا مهتم  
گردد. و حال آنکه هنوز این مسئله قابل تسلیم نشده که آیا  
اتحاد اسلام چنانچه وقایع نکار ما گفته خوفناک هست  
یا در آینده خواهد شد یا خیر؟ در صورتی که ما  
همان قسم اتحاد اسلام را خوفناک تصور نمایم  
راه های دیگر که ما را تشفی بخش تواند ساخت  
وجود است. اگرچه بنای اتحاد اسلامی در هر  
جایی ولی قوای اجتهادیه آفت بسیار کم است.

امنیت مسلک خارجی هیچگاه برای ما تکذیب نتواند  
شد و مسلک خارجی چیزی است که باقتضای  
وقت و موقع اختیار می شود و مطابق آفت یا  
بدانکه هر امر خطرناکی میتوان گذارد. و مدیرین  
سلطنت را فقط وظیفه این است که تا وقتی که  
عزت قومی در موقع خطر واقع نشود که مسلک  
خطرناک خارجی اختیار نمایند و عقیده ما این است  
که نه امروزه و نه آینده اتحاد اسلامی بقدرها  
خوفناک نتواند بود. و ما بواسطه جوش مذهبی رعایای  
شرق خود نمی توانیم مسلک خارجی خودمان را  
تبدیل دهیم.

شک نیست که نظر به حیات مسلمانان  
هند نسبت بسائر برادران اسلامیشان ما را هم لازم  
است همدردییم بنایم ولی مجبوراً نباید فراموش  
کرد که تاکنون امراض آنها بر آغاز و پیدایش  
آن به احاطه وسیع هندوستان متعلق است. صد  
ها سال روابط مسلمانان دهلی با اسلامبول خیلی کم  
بود. و وقتی که روس قشون خود را بر ساحل  
(مارمورا) فرود آورد مسلمانان هند را هیچگونه  
جوش و خروشی پیدا نکرد. حفاظت رسوم مذهبی  
مسلمانان هندوستان کلامی شود و حق آنها برای رسیدن  
به مقامات عالی و عهده های جلیله حاصل است. شک  
نیست که در معاملات خارجییم پریشانی آنها را باید مدنظر  
گرفت و خوف آنها را ملحوظ داشت و حتی الامکان  
خواهشات آنان را باید بجای آورد. ولی مسلمانان  
هم باید بدانند که نمیتوانند حکمرانی مطلق برمسلك  
خارجی دولت انگلیس بنمایند و اگر مسلمانان درست  
تصور نمایند خواهند دانست که بزرگترین پشت و بناء  
مسلمانان هند دولت انگلیس است

نکارنده واقعی می نویسد

مظالم روس در ایران و مشولهای آن  
اگر چه مظالم خونین و تجاوزات ناموس  
شکناهی که در ظرف این چند ماه اخیر از طرف  
بزرگ ترین استناد گاه استبداد جهان یعنی دولت  
روس در مملکت سالخورده ایران به صحنه تماشای  
گذاشته شده انظار دقت عموم را بسوی ومن بلا  
کس ما مطوف داشته است. ولی هیبت که نه فریاد  
واویلا و استمداد هزاران اضلال معصوم و بردگیان



بی بنامیکه از دم سر نیزه و شمشیر سالدات و قزاق روس گذشته با دیدهای نگران چشم از روشنائی این گیتی بوشیدند.

نه دودهای سطر و سیاه خانانهای که در آتش جور و اعتراف [مهربانی] که تمدن را برای شرق نخبه می آورد سوخته و خاکستر گردیدند نه زیبات حال مساجد و جوامعیکه لگد کوب پای بی احزای لشکریان اجنبی گشتند، از همه بالاتر نه صدای سقوط و برافروختن يك کشور نارنجی که هر وجیش با جیدن آثار عتیقه که حکایت از قدمت آت می کنند، بی هیچکدام از این ها نتوانستند که از دم این تاشاچیان که حرفه نوع پرستیرا محض رس قات رسای خویش می بندارند يك بانک منع و تهدید برانگیزند و ایشان را باظهار يك نشانه نفرت و اشمئزاز وا دارند، و همگی با يك خون سردی لا فیدایه مثل اینکه در تاشاگاه های رومای قدیم کشتی گرفتن پهلوئان را به شیران و تیره گلوئان بدیده نجهل تاشا می نمودند فاجعه عم انگیز و مصیبت نمون ایران کهین سال را به همان نظر نگریستند.

آری ما بخوبی میدانیم که اگر روس صدمه به هم به ظلم و تعدی خویش بیندازد (در صورتیکه بالاتر از این ظلم و تعدی امکان داشته باشد) تمام مردم ایران را در يك روز به تعقیب سیاست جنگیزی قتل عام کند يك صدای حمایت و التماس از افکار عمومی منقبات حکمران اروپا بلند میشود. چه اروپائیان قرن بیستم را روز موعود کشتار حکومت سرمایه داری قرار داده و در آنسرد که در این عصر تمام ملت های ضعیف و زبون را از صحیفه دنیا محو کنند و برای بیل باین مقصود که بالاخره منجر به توسعه تجارت و بازار استهلاك و مصرف امنه شای خواهد شد حاضر هستند که بزرگترین و مقدس ترین نامیه های ضمیمت را بسفیه و قربانی بدهند. اینک وحشیگری های غدارانه ایتالیا در طرابلس و هجوم بی حسابانه فرانسه به عراقو برای اثبات این ادعای ما دو شاهد ذی حیات تشکیل میدهند. بنا بر این مارا نیز در این سطور مقصود نه این است که از اجحافات و تعدیات خانقور روسها بحث نموده و حسن مرحمت و

وقت اروپائیان را بحال زار خود معطوف داریم، بلکه میخواهیم مشوطلای حقیقی فجایع را که امروزه روی نطع سرخ روس در این ملک رو برگشته بخت یمصه ظهور میرد با اندازه ادراک خویش بافکار عمومی هموطنان عرضه داریم و اگر در نظریات خود لغزش و اشتباهی داشته باشیم البته نامه مقدس حبل المتین لامالاع عریض و صمیمیکه از اوضاع ایران دارد مارا بخطای خویش متنبه خواهد ساخت.

دائیات تصدیق دارند که حدوث بوجود آمدن تمام موجودات کوبه تابع يك قانون مخصوص و منوط بعقل و اسبابی می باشد که بر خلقت آنها سبقت کرده اند. از این رو ما نیز اگر منبع بد بختیهای وطن عزیز را در این نزدیکیها بجوئیم بجز از درك يك نتیجه ناط بجز دیگر دسترس نخواهیم شد. بی هستند نسایکه و قایع انضالیه را باعث فلاحت امروزی بنداشته و میگویند که اگر سرور حکمرانی مطلقه قاجاریات دچار زلزله میشد روس و انگلیس نیز پای جسارت و استیلا باین ملک گذاشتن نمیتوانستند. اینست به مردم همچون میاورند که مشروطیت ایران اسباب پیشرفت بلتیک روس و انگلیس گردید و مملکت را باین روز سیاه نشاید. ولی چه قدر در شکنت خواهند ماند وقتیکه بگوئیم مشروطیت ایران خود بنفسه زائیده بلتیک روس و انگلیس است!

این ادعا چون ممکن است که در محافل احرار ایرانی نیز محتاج بیوت و باعث مشاجره باشد لازم می بینیم که چند طریقه در توضیح آن بنویسیم.

بعد از محاربه الیمه ۱۲۴۸ که بشکت ما و مظفریت روسها خاتمه پذیرفته و باعث انعقاد عهد نامه منحوس (ترکان چینی) گردیده نفوذ روس روز بروز در دربار ایران پیشرفت کرده و بالاخره به نفوذ انگلیس که تا آن آیت ایام دست بالا را داشت - چرپیدن آغازید. و مخصوصاً مادانی که سلاطین قاجار در فرستادن واقامت دادت وارثان تخت و تاج خود در تبریز - که دور از مرکز و جولانگاه سیاست بود داشتند - و

همچنین تسهیل و ضمانت و سدی که رجال دولتی روس در حفظ حقوق وراثت و ایلیمهای ابراهیم در نسل قاجار کرده بودند پیشتر مؤید این مسئله گردید. روسها از این عادت استاده کرده و پادشاهان آینده ایران را - زمانیکه مسند ولایت عهد را در تبریز اشغال مینمودند - میتوان گفت بتمامه یک مأمور تاجدار در دربار پترسبرگ آورده و یک روس در قیافت ایرانی را برای سربر سلطنت ایران مهیا مینمودند. چنانکه محمد علی مخلوع - منظور از این مرتبه هم قدری ترقیده و از روس هم روس تر و روسی تر گردیده بود. و غیر از این استقرانیهای بی دری که بواسطت خاتمه میرزا علی اصغر خانباباگ و میرزا رضاشاهان اوقی الدوله از دولت روس - دولت اشغال بدرفت امتیاز شوسه را در حال - تبریز - داشت و قزوین و تجدید مناسجه گمرکی ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ تجارت ایران را مقبولان گفت از حالت امانی در آورده مخصوص قاپریکهای مکتوب ابراهیم را میداشتند یک تملک روسی سازند. و روسها در ایران نه تنها با احداث منافع اقتصادی میکوشیدند بلکه در امور داخلی آت نیز دست مداخله دراز کرده و در تبعیت سیاست استبداد جویانه خویش مرج و اوضاع ابلاتی حکومت قاجاریات را ناپید می نمودند.

لوحه حکومت آت ایم - امروزه در تبریز بدست غارتگر بی ناموس و دزد مشهور صمد خان مراغه مرتسم میشود. هرکس می خواهد بپند برود و تماشاکند که چه طور مرد مراغی خطاب می اندازند. از بانندی بورت میبایند. دار میزنند. سر میبرند. شکم میدورند. ناله میبایند. شکنجه میکنند. و الحاصل همه مظالم (اکتزیسیون) کانولیک را در یک مجموعه نفرت انگیز جمع نموده اند. با این همه بیداد مین است که شیرازه امور دولت بکلی از هم بدر رفته و آنچه لازمه مملکت داری است جز در روی افراد مستوفیان دراز نویس در جای دیگر صورت خارجی نخواهد داشت.

ان شدت جبر و بی انتظامی یک عکس العمل تولید کرد و کم کم تضییقات روز افزون دیوانیان

موجب ابتیاه یکدسته از ملت گردیده و فکر انظام و قانون در کلهای عنصر منور جنگیر گشت. و تا حلول دوره مشروطیت اگر اکثریت را مناظ بدایم افکار اصلاح ناباه تجدید خواهان ازین مرکز خارج نشده بود تا آن زمان انتظام امور دولت و گذاشتن اساس آن را بروی یک شالوده متین اساس قرار داده و فکر حریت را در یک درجه ناوی تردیف میکردند. بخلاف اصلاح نمایان اروپا که شکایت شان از شدت انظام و سختی معاملات دولت است. مثل آنکه آمانت در ضد "میلیتاریزم" اصول عسکری هستند و ما از هیچ وین عسکر نداشتیم. آنها از گران مالانها مستقیم و غیر مستقیم شکوه میبایند و ما شریک مالانیت نمیدادیم - آج

بشرفت نفود روس از طسرقی و بی نظمی ادارات دولت از جانب دیگر از نظر دیپلماتی انگلیس نمی توانستند دور نمایند و حکومت ها در قدمهای سیاسی را به روس در ایران بر میداشت برای آینده خود یک هدیه معنی تصور کرده و بظن خستودی تمبکریست. تا اینکه بالاخره فوراً افکار اصلاح طلبانه ایرانیات را برای خود یک موقع فرصت داشته و در سال ۱۳۲۲ مشروطیت ایران را تأیید نمود و این مسئله نفود بر اقتضای اشرا بالا برده و در محافل و مطبوعات ایرانی محبوب القلوب ساخت

انگلیسان از دیرباز پلتیک محافظه هند را در آن داشته بودند که ایران را در مقابل حمله محتسبه روس بکدوات پوشالی قرار دهند و مقصودی هم که از نیک کردن باحرار ایرانی که اعلای وطن خویش را میخواهند داشتند عبارت از همین مسئله بود. ولی جریانهایکه در پارلمان اول ایران بظهور آمد و آملی که از طرف و مطبورات ایرانی ابراز شد دیپلماتهای انگلیس را قهتاید که عنصر اصلاح طلب ایران برای حقوق حیات مسئله خود میبخشد. آن بود که سر اسب را برگردانده و در آیین منقهای نفوذ در سال ۱۹۰۷ با روسها ایلان نمودند

شرحیکه نوشتیم تا اندازه از موضوع خارج و فقط برای اثبات این بود که مشروطیت و آزادی

بست که قشون اجنبی را به مملکت ما آورده است و بلکه مقدمه این روزهای سیاه در عصر سلطنت استبدادی چیده و حاضر شده بود. روس و انگلیس مدتی است که مملکت ما را بچشم يك (ملك مننوج) مینگرند، اداره مشروطیت جز اینکه ادارات بی انتظام سر و صورتی داده و تا اندازه مقدور به تشکیلات جدیده پرداخت. چه نقیصه بپرخ دولت وارد آرد که ازان نقیصه نیز اجنبان استاده کرده و بضبط و تسخیر این وطن ستم زده خیزند؟ کدام اردو را برهم چید و کدام کشتی مایه خنکی را بر باد نمود؟

بس مضموم شد که مسئولیت عمد و وقایع خونین امریزه به پهلوانان است که تا حلول دوره مشروطه مملکت را يك میدان شهوت رانی و کاججوی دانسته و آن را از وسایل مدافعه و ترقی باز داشته بودند ولی به ایسهمه ما میتوانیم که در این تقسیم مسئولیت کابینه (اعتدالی) را بی نصیب گذاشته و يك جزء از آنرا هم بدوشهای ناز پرور ایشان تحمیل کنیم. اولاً لازم است بگوئیم که ما اختلاف احزاب سیاسی را بشکی نه در پارلمان مننوج ما اجبات وجود مینمود، مضر حال مملکت میدانیم. اختلافات احزاب باید در دایره اطلاع و منافع عمومی و فرقه بوده و در برابر منافع مشترکه و من منحل گردد و مرکز به شخصیات تجاوز نماید. بدبختانه باجزه پارلمان شینان قدیم خود میگوئیم که اختلافات احزاب ما اندکی از این حد معقول تجاوز کرده بود. و اکنون هم که در اینجا بحث (اعتدالی) را تجدید میکنیم نه برای کشادن باب هجرات سابق میباشد بلکه حقایق تاریخی ما را محبور بذکر آن اسم میباشد.

کما اینکه نظامرات حیات مشروطی ایران را تعقیب نموده اند میدانند که تشکیل فرقه (اعتدالیون) اساساً برای محافظه اوضاع قدیم بوده است. چنانکه راستی این مدعا از مفهوم اسم (اعتدالی) هم معین میشود. اعتدالیان همواره اصلاح طلبان حقیقی ایران را که در ضد اوضاع وحشیه قدیمه که ما شمه از آنرا تا اینجا ذکر نمودیم بودند به (تندروی) متهم داشته و انقباب (انارشیزم) لامذهب الخ را در حق آنها مبدولاً بیاراییدند. حال آنکه چنانکه در فوق گفته شد عناصر اصلاح

طلب ایران انتظام امور دولت را بر همه مطالبات سیاسی خویش مقدم میدانستند و میخواستند که وضراً از کابوس وحشت نمون فرون وسطی خلاص نموده و بشکل يك حکومت ملاحظه ملی بیندازند. منتهی این دسته از مردم باعتقاد اعتدالیان (انارشیزم) و لامذهب هستند و وجهه عمد محافظه کاری این سوسیالیستهای نو ظهور که بی شرمانه خود را از پروان مارکس و انگلس مینساییدند. آن بود که علی الاغلب از ناپندگانه صنوف ممتاز و ارکان استبداد قدیم بودند. و چون اینان از دبر باز در مقابل سیاست اجنبی بجز از اتخاذ يك خط حرکت مرعوبانه چاره دیگر نمیدانستند، وقتیکه اکثریت پارلمانی را نیز حایز گشتند به همان تیره قدیم در برابر همه قسم مطالبات حقوق شکنانه همسایگان شیوه تسلیم و انقیاد بش گرفتند، ولی ایندفعه مثل ایام سابق نبود که هر چه میخواستند بدون مانع و رادع بمقام فعلیت بگذارند و مسئولیتی درکار نباشد. فرقه مخالف و یا اولیت، دموکراتها. در ضد بلتیک مرعوبانه بوده و همواره اعمال ایشان را تحت ترصد و تنقید میگردانند. و حضرات هم از خوف افکار عمومی لایب بودند که تا اندازه دست نوازش به مطالبات طرف مقابل هم بکشند.

در جریان این احوال فرقه دموکرات در تمام ایران دارای تشکیلات مهمه و جراید متعدده گردیده و آینده اکثریت اعتدالی را جدآ بنایه تهدید گذاشت و واضحاً معلوم گردید که در این دوره انتخاب اکثریت باین فرقه انتقال خواهد یافت، چنانکه در انتخاب انجمن ایالتی آذربایجان این مسئله بوضوح و دهشت هرچه تمامتر بدرجه نبوت رسید، و باوجود بولمانیک بدستهای محافظه کاران خارج شده بود دموکراتها باین اکثریت مطلقه سندلیهای انجمن ایالتی را اشغال نمودند.

این مسئله گذشته از اینکه اعتدالیان را به تلاش انداخت روسها را نیز که در آنوقت حساسترین نقطه بلتیک خود را تعقیب مینمودند دچار اندیشه نمود. چه بخوبی میدانستند که با سقوط حکومت اعتدالی دستها را که از چندین سال باینطرف با

مصارف هنگفت در دربار طهران تهیه کرده بودند گم خواهند کرد .

این اشراك منافع روسها و فرقه حكومت را در تشكيل دموكراتها و تدمیر آذربایجان - که مادر مشروطیت ایران است و دموكراتها پیشتر در آنها نمود داشتند متحد نمود . و اولین تدبیری که برای اجرای این نقشه خیانت کردند آن بود که پس از انفصال آقای مخبرالسلطنه مدت هفت ماه تمام نقطه با اهمیت آذربایجان را بی حکمران گذاشتند ، و با وجود نهایت قدرت فتنه صمد خاں را که هنوز در اول عصبان بود نخواستند ، تا اینکه کارها رفته رفته زار تر گردیده و بالاخره به کشتارهای روت انگیز نیرز ورشت ، بمباردمان خریج ، طاهر حضرت امام رضا علیه السلام منحرف گشت ، و کابینه طهران در مقابل همه این مظالم نه اینکه اقدامی نمود بلکه يك پروتست خشك و خالی هم نکرد . و رضای خود را همه این اعمال با سكوت خویش اعلان نمود . چنانکه نطق مسیو سازانوف وزیر امور خارجه روس که در مجلس دوما نموده است قول ما را بهترین شاهد ما میتواند باشد . سازانوف میگوید ، ( علت مخالفتهای ایران دموكراتها بود که با روسها عداوت داشتند ، و اکنون همه آنان به قوه روس تشكيل شده اند ، و امیدوارم که زمامداران کنونی ایران به تشكيل يك حكومت محكم که منافع ما و اسكابس را تامین کند قادر شوند )

اگر اندکی در معنای حقیقی این نطق بزرگ شویم خواهیم دید که روسها میگویند ، ( وزرای حاکم ایران مثل ماورین خود ما هستند و در نامین منافع و ترویج بلتیک ما خواهند کوشید ) دلایل بسیار موجود است و اینکه اگر کابینه طهران در این هجوم وحشیانه روسها ندمدخل هم اگر نبود بی اطلاع نیز نبوده است ، میتوانسته است بواسطه اقدامات خود قدری از شدت مظالم بکاهد .

ما سؤال میکنیم این نوع وزوا را چه اسم باید

داد ؟

خاین و طاروش !

سزایشان چیست ؟

گبوتین و چوب دار !

این است جوابی که صدای وجدان بان

سوالات مقدر میدهد . ( اشرف )

### حبل المتین

ما با تکرار ممتنع فقط اخلاقی که داریم این است که تمام حزب اعتدالی بدبود و به حله حزب دموكراتی خوب و نیز اسم اعتدالی را نمیتوانم منافی وطن شناسی قرار داد - حق این است که مسئول خرابیهای کنونی را تاك اندازه باید بد اخلاقی عمومی دانست ~~که~~ نمره بی ترقی و بی تعلیمی است ، چه در پیش آمد این واقعات و تقی باریک شویم میبینیم که چنان قوام السلطنه و ونوق الاوله و حکیم الملک که خویشان را دموكراتی معرفی میکردند شريك بلکه مالك رقب کابینه دوره بدبختی ایران بودند . پس باید گفت که اسم به تنها کافی از حسن و قبح احدی نتواند شد ، شك نیست اساسا مالك دموكراتی در تمام دنیا مدوح واقع گردیده و مخالفین آنها بهر اسم و رسم معرفی شده باشند چندان محبوب القوب نامه نیستند . ولی نمیتوان گفت که هر کس اسم دموكرات بر روی خود گذارد ، مری از جمیع عیوب است - لذا ما مسئول خرابیهای کنونی را بد اخلاقی و بی دیانتی و عدم حسن فداکاری در کلبه افراد می بیند داریم

درست باید دقت نمود که نفوس شهر خراسان بالغ بر یکصد و پنجاه هزار است و غالب کسانی اند که هر روزه در مقابل ضریح حضرت نامن الاثمه ایستاده ( فیالبتنی کنت ، مکم فافوز فوزاً عظیماً ) ببخوانند و وقتی روسها توب بفرقد مقدر و ضریح مقدس رضوی بستند عده شان بدو هزار نرسید ، چرا ازین یکصد و پنجاه هزار نفر يك آواز مخالفت بر نخواست ؟ و حال آنکه همین خراسانیان سازای درواز دعوی وطن خواهی و مشروطه برستی و دیانت شعاری می نمودند . بواسطه اینکه حسن فداکاری حسن دیانت برستی ، حسن وطن شناسی ، حسن حفظ شرف ، حسن حفظ ناموس در آنها وجود نداشت فقط طوطی



دار خود را وطن شناس بادیانت و فداکار ، جلوه میدادند. اینها تمام نتیجه بد اخلاق است که اثر نه داشتن بر گرام تعلیمی و ندیدن مدرسه میباشد - قصوری خاص بر اعتدال و دموکرات وارد نیست بیابوت ساده تر اسم خلی از مسمی بی نتیجه و فقط به درد نام حلوا دهان شیرین نتواند گردید کابینه طاهر از جنس همین ابرایسان بود و قصور شان هم قصور عمومی است فقط خصوصتی که مر آنها را تعلق یافته این است که در آموغ راتق و فائق امور بوده اند

نگارش يك از مضامین صمیمی

حکومت بشو

حالا دیگر سول خودتون درد و قاسی را از خانه بیرون کردید. بل حکمرانی بدست گرفتید. رشت اعتدال و انقلاب را از سر راه جریان امور گذشته و عبور انداختید. حالا دیگر نهها شسته ، راه آبها باز ، صبح و سکون بر قرار ، ترور از شیم در قرار ، رسم اختیار دربار لشکر سلم ، شور را مهزم کرده ، وساک سپاه اتصال را بر سر چه بزن بزدان انداخته ، از نقاب دارهای رنگ و ارنک دیروز آوری پانده ، و از نایبدارهای حتمی فردا هاوز گرد و خالی در افق بیدار نگاشته ، فتح و ظفر خاص ، نه رور صدای گلوله و نه شب زمزمه فساد کاری های مخفی و انتزیکها رو پوشیده ، معرکه چیده ، بساط ہیں ، گرز و میدان فراهم ، درماید به بیم چند مرده پهلوانید

موقع مساعد است این حسن ترتیب را باید غنیمت شمرد ، از این دقیقه که چشم فتنه را بخواب کرده اند باید نتیجه گرفت ، سکوت موقتی هوا و هوس های پارلمانی را باید از دست داد ، و تا وقت است عطف توجه کاملی بمنافع ملی و بازاری انداخت - يك صدا قوت و هادی بکارگزاران از دست رفته گشت و يك نظر پیش بینی و شفق بامور اجتماعی انداخت ، انبارهای دولتی را بر کرد ، ذخیره را سر و روئی داد رنج و اینکه مدتی است آووشان بر از وعد و نوید دروغستان است دست مساعدت به پشت زد ، کاسب از دست رفته را پشت بساطش نشاند ، کوره های آهنگری سرد شده را دوباره

شعله ور ساخت ، اطفالیکه از ترس دوقران ماهیانه سر ماه کتاب را بهم گذاشته اند دو باره بکتاب برده و کتاب بدست شان داد ، چه که عالیترین اشعه رفاه يك مملکت کوره آهنگری روشن است و شیرین ترین نوای سعادت يك ملت صدای معصوم الف الف آ - ب الف بای طائل معصوم دبستان

انطور فتح و ظفر را باید مقتم شمرد ، این گونه از صلح و سکون باید نتیجه گرفت ، باید از خود آتش فتنه و شورش استنشاده نموده و آتش مقدس ترقی و تعالی را در دل ملک و ملت روشن نمود ، باید قدر آرامی موقتی را دانسته و شاخه صلح و صفای حقیقی را در قاب کوچک بزرگ کاشت ، باید فهمید که صلح ظاهری بی بنیان توی کوچک ، و بازار بازیچه و پیچوده است ، و مقصود ایجاد صلح حقیقی و صلح دائمی و قفسی است که در دل و روح خلافت می کارند .

خلاصه حکومت عزیز ، باید کردی کرد که شکست و اهزام دسته های افراط و تفریط را فتح و ظفر حقیقی ملت قائم مقام گردد ، باید فهمید که شکست دادن پس فتح کردن نیست و سر آتش را زیر خاکستر کردن نمود حریق و طغیان نمیشود ، هر وقت حکومت فهمید باید چه کند و کرد خواهید دید که کارها با تطبیع روشن میشود ، بحران ملت ساکت میشود ، اخوت حقیقی اخوتی که از احتیاج ذاتی مردم بیکدیگر حاصل میشود و روی کتاب و دیوار نمیتوان نوشت و با سنک و ترازو وزور ، بازو نمیتوان گرفت و داد در زرع نفوس سرسبز بیرون خواهد دواند ، خواهید دید که از دولت مند دارا و حاجتمند ، خان و کرالانی ، بالا و پست بطرف بیکدیگر متمایل شده و با يك عطش اتفاق و برادری فوق بیان که علاقت نمیزد اتهام و احتتام زد و خورد های هابیلی و قابیلی است از هر جانب دست های برادری بیکدیگر دراز میکند ، خواهید دید که قبول قانون طبیعی که قانون صلح و ترقی است هیئت نوعی پس از منبت موقتی در راحت گاه شورش مجددا داخل جاده حرکت و کار میگردد حکومت عزیز ، نظم را بر قرار کردی - گره رقصانها را خنجه دادی ، برای بل مقصود

از هیچ اقدام و خطری رو بر ننگرداندی . در انجام هیچ تکلیف و ماموریتی يك لحظه تاخیر و درنگ روا نداشتی . هر آنچه برای اعاده نظم و تربیت بعقلیت رسیده با زور و مجاهدت بفضل آوردی و بتصود رسیدی و دامن فتح و پیروزی را بدست آوردی . تبسم پیروزی و سر بلندی را بلب . مرحبا و دست مرزاد . ولی هیچ میدانم که تمام این ها هیچ و بوج است که هنوز هیچ کاری که کار باشد نکرده ؟

آری . حکومت ضربه شده . هیچ نکرده . آفتی که بنیان نظم مادی نظم اخلاقی و باطنی باشد . تا وقتی که کوجه و بازار را از ترس گونه تنگ بختیاری منظم بدارد . نه میل امامت و انقیاد به قانون ملت نواز مملکتی . هیچ کاری نکرده . تا وقتی که ملت راحت ندارد . و دین کتاب . و جمله نان . هیچ کار نکرده تا وقتی که زیر پایت يك قسمت ملت خون میخورد . تا امیدی میکشد . تا وقتی که در ولایت قحط و سلا قبرستان ها را بر میکنند و در پایت رشوه و پناحیب ها را . تا وقتی که در این تخریب و جباول که هنوز در پس برده خا جان و جیبش دارد مردمان پول دار با سیاه روزی پیمان شده ها بازی میکنند . تا وقتی که امت را عوض دوست داشتن می ترساید فریاد های شکایت و استناده را عوض کوش آسمان دادن خنه میکنند . تا وقتی که حرف حقیکه از زیر پای هایتان بلند میشود و نمی شنوید و از راه ترس یا خیانت بد کاران و دراز دستان را بجای غل و زنجیر فرمان حکومت و حکمرانی می دهید هیچ کاری نکرده اید جز خیانت .

حکومت بچاره . بدانت تو می گویم . آتش انارشیبی و انقلاب را که سرچاه هلاکت و اقراض را باز میکند زیر خاکستر پنهان نمودی و خیال کردی که کار را تمام کردی . ولی فقر و قافه که دقیقه بر دقیقه در تزیاید است و جاه هلاکت را کننده و عمیق تر میکند هنوز بر سر حی خود باقی است . انقلاب را خراب کردی . ولی دست سیاه شده فقر و قافه که دست انقلاب ساز است هنوز بلند و لرزان لرزش انتقام و فصاص است . منتظر باش و در حذر باش ( يك اداره )

مصائب الرضویه

( بند چهارم از شماره سوم )

تاو يك شد زمانه و گم گشت راه دین  
مغلوب شد ز کثرت اعدا سیاه دین  
شد بی حقوق هر که اشار داد راه حق  
شد بی باه هر که شد اندر پناه دین  
در غم بماند هر که شد او غمگسار شرع  
بیداد یافت هر که شد او داد خواه دین  
بر شد جهان زخیل خدایان ملت و مال

بیگانه شد مجسم خلائق اله دین  
چندان غبار فتنه و مدعت بدید گشت  
کایدون براه کافر مدل گشته راه دین  
نی حاکی که دفع میکند اشتغال ملت  
نی عالی که رفع کند ابتیاه دین  
ای آفتاب دینی و دین چند در حجاب  
نگر بحال تیره و روز سیاه دین  
ای پادشاه دین بگر کاوقاده بز  
از توب روس زلزله در بارگاه دین  
بگر که کرد دشمن نایک دین تباه  
آماج تیر کینه تن يك شاه دین  
بگر که از زمین خراسان ز توب روس  
بر آسمان زیانه کشد دود آه دین  
این آتش از زمناک خراسان گذر کند  
ترسم بخاک بیژن و طاجا انرا کند  
( بند پنجم )

این بارگاه کیست چنین خسته و خراب  
خان بجای خادم و آتش بجای آب  
سوراخ گشته گنبدش از توب قلعه کوب  
بر گرد گشته حضراتش از ظلم حساب  
درگاهش از نزاع دین بروراث نهی  
ایوانش از تناول بیگانگان خراب  
برق تشک بر شده حی چراغ برق  
نار سمیر در شده جای زلال ناب  
رخشنده گنبدش شده پنهان بدود توب  
چون روی حور پنهان در نیلگون نقاب  
گاه اذانت شام فراز ناره اش  
خران خروش توب که قد قادت الذاب  
در زیر طاق و بلبله ضریح مطهرش  
هنگامه که کاش میند کشتن بخواب

زوار بیگانه و فقیران بی نوا  
 تنها بره فاده و رخها بچون خصلت  
 آنجا که بوده مسکن کرو بیان قدس  
 خاک سر جرات نه ده منزلکه کلاب  
 این کاخ حای بوسه شامان عصر بود  
 اسب عدو کجا و چنین کاخ مستطاب  
 خواب است این حدیث که گوینده ایم ما  
 گریست خواب پس ز چهره زنده ایم ما  
 (شده ششم)

ای حلق صدمت جان از برای چیست  
 وین جسمه حاکم گران از برای چیست  
 این مغز خانه خانه و اعصاب نار نار  
 وین قلب و خون و این ضربین از برای چیست  
 این جمله گر برای حیات است و سردمی  
 پس لشکر هوا و هوای از برای چیست  
 این و حسد چرا و اتفاق و غضب ز چه  
 ظم و حفا و قس و کمان از برای چیست  
 این کینه و هوا و موس گر فرزی است  
 پس خلعت بنای جهان از برای چیست  
 و در گردش جهان را این است سر نوشت  
 نار سهر و باغ خان از برای چیست  
 مظلوم اگر به عجز ضام حوائت است  
 پس این حدیث و صق از برای چیست  
 و در حکم حق نشسته بود بر دهن توب  
 پس صحبت فلان و فلان از برای چیست  
 و رحق عیان و نیست در او حاجت بیان  
 پس صد هزار سر نهان از برای چیست  
 از ره بدر شدم خدایا هدایی  
 قال شدم ای مدد حق عنایی  
 (شده هفتم)

مگر گم نگشته بودی در شرع راه ما  
 بر اوج چرخ نشانه زدی بارگاه ما  
 اگر نمایی دو پرده افول  
 صد آفتاب نور گرفتی ز ماه ما  
 جای فاسفه را نستدی بدین  
 در دین بجای نمایی این اشباه ما  
 ما سفید باین قلت و قال و قیل  
 یک مو نکرد فرقی ز روز سیاه ما

از رقص و جبر و غالی و سنت پدید گشت  
 این اختلاف و ذلت و حال سیاه ما  
 این اختلاف شوم و دگر اختلافهاست  
 بر حلق خراب تر ازین گواه ما  
 تقصیر از آن ماست که توب جنای روس  
 ویراث میکند حرم ولی اله ما  
 و امروز چون اسیران در بنجه دو خصم  
 در مانده ایم و بیست و نسی دادخواه ما  
 از کعبه خصم و ناکسی قانین ملک  
 در هم شکسته سوت خیل و سیاه ما  
 یکسو بدار حجه و سالار دین مات  
 یکسو خراب کعبه اهل یقین مات  
 مکتوب از فرمانشاهان

بسی از واقعات مسافرت اردوی دوقی محدود  
 غرب و دوق سالارالدوله در نامه مقدس تحت شماره  
 دو مدرج ولی خالی از تحت مینمود - شاید خبر  
 نیکار محرم اطلاع درستی از وضع اردو و حرکت  
 شان نداشته اشتباهاً با اداره عومه رأیوت داده  
 باشد - چون بنده نویسنده محض خدمت به وطن  
 عزیز در این اردو حاضر و بکلیه واقعات بدو  
 حتماً نظربوده شرح واقعه را مطابق واقع باختصار  
 نگاشته حاضر محترم را متذکر میدارد  
 اما اتفاق و افراق مختیاری و مجامد شهدالله خلاف  
 واقع و علاوه بر عدم ظهور مغایرت به تشخیص  
 هیچکس از روسا و افراد فریق خیال مخالفت  
 خفیه برده چه در زمان حیات سردار بفرم خان  
 مرحوم و چه بعد از قتل او شهاب السلطه سردار  
 اردوی مختیاری یا مسیو آرمخان رئیس اردوی  
 مجامدین به کمال اتحاد و اتفاق این اندازه هر ورشادت  
 مستقیمه و نامخواهی و موافقت را از دست ندادند  
 نفس واقعه گواهی میدهد که اردوی مرکب از دو  
 فرقه جز با اتحاد و اتفاق این اندازه هر ورشادت  
 نتواند کرد و کارهای مهمه را باین سهولت  
 از پیش نتواند برد -

اما واقعات حرکت اردو بعد از جنگ شورجه  
 و قتل مرحوم سردار بفرم خان و قلع و قمع  
 شمر دین و اشرار کردنشان به ترتیبی که خلاصه  
 آن در نامه مقدس تحت شماره یک درج شده اردو

حرکت کرده با یلغار قبل از ظهر ۱۰ جادی الثانی  
 به (صحنه) ده فرسخی کرمانشاه آمده او طراق کرد  
 داود خان با چهار هزار جمعیت از سوار ایلات  
 کلهر و شیراز از طرف سالارالدوله چهار فرسوخ  
 مانده همان روز اتفاقاً وارد و تمام باندیهای اطراف  
 (صحنه) را محاصره جنگ شدت شروع شد شب  
 السلطنه با حال رشادت از طرفی جلو گری نموده  
 مسیوگری خان را عدد از عساکرین از راه دیگر  
 مدافعه بر آمد جنگی سخت واقع و تا نیمه شب  
 طول کشیده. آن شب را قشون طرفین در صحرا  
 و سنگر بسر رده اول دلولع مجدداً شروع جنگ  
 شد. نیمه ده جادی سنگر بزرگ خود داود خان  
 بود شراب السلطنه شخصاً پوشش برده و آن شب را  
 که خیلی جلی محکمی بود گرفته فرمان داد توبیهای  
 شلیکند و ماکزیم را حاضر کرده از آنها مانتها  
 شلیک کردند. یک دسته محمد و بختیاری بقوم  
 پوش آنها را از سنگر دوخته مراز بر آوردند.  
 بعد از دو ساعت جنگ اردوی دواتی غالب و  
 داود خان با عساکرین خود با هیجده نفر اوروسا  
 و خوانین کلهر کشته و زیاده از دو بیست نفر  
 دیگر از قتل آنها مقتول و مجروح مانعی  
 رو بفرار اردوی دولت با یلغار آتکباشان کرده  
 تابی ستون هم مجال درنگ با آنها ندادند و از راهی  
 خارج از شهر کرمانشاهان جنگ شهر رفته متواری  
 شدند. سالارالدوله بعد ازین راه با کمان و حشمت  
 از کرمانشاهان حرج و فرار آنجاک والی رفته اردوی  
 دولت روز ۱۲ وارد شهر فرمانهرا بارگ حکومتی  
 رفته شهر را قبضه نمود، رؤسای بختیاری و مجاهد  
 در باغ دولتخانه طراق کرده دو روز بعد کشته  
 آمدند. اما والی سالارالدوله را به داده باصراحه  
 جوابش گشت بخاک زیستان رفته از نظر عیون  
 سردار ارم استمدت کرد. اگر چه بدو نظر عیون  
 با او اظهار موافقت نموده با عدد او را برداشته  
 به سه منزلی کرمانشاه آمد ولی از جیش و حرکت  
 سربازان اردوی دولت خائف و از کرده بشین شده  
 علناً سالارالدوله را جواب داده از خود خلع و  
 حاضر خدمت بدوات شد. از زیستان هم دست  
 سالارالدوله بریده به لباس ببدل بخاک کردستان  
 رفته تقدماً در آن حدود متوالی مجبول الحال و

مقتود الخیر است و احدی با او همراهی و موافقت  
 ندارد

مصدق فقرات نامه مقدس را در تحت عمره  
 (۱) شرحی لزوماً میگذارد، کابینه دولت حاضره تماماً  
 از راه اسرار فرمان بردار جنرال قونسول دولت  
 برده و امداد از خود رای ندارند. یعنی درست وقت  
 کنیم می بینیم که از خود هیچ ندارند تمام زندگی  
 دولت و حیات مملکت بسته است بهایه آبهام اسیر  
 جنگل (مربارده) که حاضر معلوم. از ورود کرمانشاهان  
 با آبهام و خدمات مسافه و فداکاری اردوی  
 دواتی ابداً بر آنها مساعدت در هیچ کاری نکرده  
 قور خانه تیرساند بول که با (مربارده) وکیل جنرال  
 قونسول رهسپار نیت اقدام در کار سالارالدوله و  
 تخریب اردو میکنند این بنده رسیده را موجب  
 از حال رؤسای اردو است که چه قسم با این همه  
 تا مساعدت تاب نوقف آورده و می آورند از فن  
 ایرانی تحت حکم فرمانفرما قرآنی برای سالارالدوله  
 فرستاده بودند و او را دعوت شهر نامه داد قصد  
 و آمدن حایه سالارالدوله بفرقان گیر افتاد و  
 مدد استنطاق بهجا آمدند سربازان عیون  
 و قونسول رس از آنها حمایت نمودند تا وقت  
 امر را خیر نماند و برای خدمت بومن این اردو  
 را موفق ندارد (ی - ح - ح - ح)

خلاصه مکتوب یکی از

(تجار رفینان مورخه عره رمضان)

روز پنجشنبه ۱۷ شعبان بین العاقبتین هر روز  
 یکصد نفر سوار و پادشاهان رفینان را محاصره  
 نموده ادالی رفینان مشغول مدافعه شده قرب  
 سه ساعت شدت جنگ کرده از گرفتن رفینان  
 یعنی بهرام آباد که حکومت تاتار است مبروس  
 و مشغول تراج دهات دوره بهرام آمدند  
 هزار شتر که بجهت بدو عباس مخلوج و شیراز برداشته  
 بارها را در صحرا ریخته شترها را بردند هم  
 پیشگرایه که تاجر داده بودند از میان وقت تمام  
 دعوات بهرام آباد را تاروت کردند و مردند مجدد ۲۱  
 شعبان دو بیست نفر پیاده و سوار آمده جوت  
 رعیت بیچاره از ترس آنچه داشته در ماعونک و  
 حیدرآباد که برج دارد برده مالها را دور دیوار  
 پشت برج بجهت جراییدن رها کرده سارقین که در  
 آسباب کاشن بنهات بودند جوی چادر زنانه سر



کرده میرسد داخل شهرها و بناها را تخریب می نماید و زدن  
تقات را گذرد. از برجها اندک زد و خوردی  
نموده چنانچه از جلو دارها کشته و زخمی شدند  
و کس نماند و حسین خان رئیس فرانسوارن  
آنها را هتاد فرسوار و برده از سیب ناسلام  
بسیار حسین را و مشفق و دستانه مسکرده از آن  
سازم جنگ میکردند بهارهای پیاده مانده را برده  
سخت کاری ازین ترفقه حسین خان رفته است دهه را  
که عمر سپهر ساروقین است بگیرد تا خدا چه خواهد  
شد رعیت از تاجر و حمال و مالک سائل بکف  
و نامه شدند ۱۷۰ بار فغان و زین سکه بجهت  
بود من کرده بودند در آسپاس شاه جهان آباد  
رندند هر روز که بار بدمر داشت بارها را  
بجسته بردند اینها را طاقه اول بودند

حاجه دویج ده هزار گوسفند دوپست تفر شر  
مندان ده هزار تومان انوار از دهت رفیقا ساز  
رندند آنچه تخمین شد دوپست و بیجا هزار تومان  
متجاوز انوار مردم را چه بجز چه رعیت دهات  
چه جان ها بودند این است خلاصه حیات رعیت  
میت زده و مدت بی صاحب آن حدود خداوند  
رؤسا و مذمت خداشناس فرس و فرانسواوس  
میرد بر رو و ضرب و شنی را از مسجده روزگار  
بجو فرماید که همه مخلوق زود و کرمان و خراسان  
را بیه کردند مس است بیه این گوسفند در راه  
و پیره تلف میشود و تصد که هر پیران تیرس  
اندازم و مروت و اسف و دین و سعیرت و  
چون اسبیت در جسد این افواه فرس از بلجای  
آنها که افراد بن حیرت می بودی ثابت و شام  
آنها جز خلق کور بر نمی کشد در تمام روی  
روی زمین تر از بزرگان فرس وجود ندارد که  
مبخواهد با دولت دشمنی و با حکومت ضامیت  
نمایند صاحب یراق طلا و دستکاه و اسب  
سحر و قاطر باشند باک کرور مخلوق فقیر و صد  
هزار حیوان را تلف نموده تمام صحرائی در راه  
و پراه جسد های گوسفند مرده افتاده یا بچه سقط  
کرده تعجب است که خود را هم دزد نمیخوانند  
میگویند ما جیابول میگوییم از فرس حکم شده بجهت  
غارت بیاییم لذت بردن و ایجان و منس این دزد  
های نامرد بیفیرت و رؤسای وقاص بیفیرت آنها

که ابراب را بر باد داده عالی را خراب کرده  
هنوز شکم آنها را سیر نکرده است. اشنیها که گدائی  
میکردند امروز از تاراج کرمان و یزد همه صاحب  
یراق تفره و تقانک پنج تبر شدند - فرج الله خان  
شهر بابکی که همیشه بجز بقای عطا الهی که باید در  
کرمان بدهد گریه میکرد الحال به راهی ساروقین  
عرب رفتن و تاراج میکند - خدا کند این  
منج و لاجاله اول این خار را از راه کرمان  
بردارد

وزیر مختار جدید روس در ایران

پانگ گزوت میگوید مسیو دی کایم که از  
طرف دولت روس بوزیر مختاری ابراب بجای  
مسیو (بولادینی) مقرر آمد همیشه کات  
میرود که در این تدائی دولت روس را مقصودی  
حسن است - یعنی ترفیسات مسلکی روس در  
شهری ابراب خیلی سریع نظر می آید - مسیو  
کایم در حلقه دیپلماتی روس قابل ترقی شناخته  
شده. خیلی روشن شمیر و عالی خیال است. در گور زدن  
و فریب دادن طرف مقابل استادی است کامل .  
اگر در دعوات انگلستان کسی او را ببیند کشتیش اش  
تصور میکند . خیلی شیرین زبان و بزودی میتواند  
خود را در دهه های بعد بدو حه دیپلوماس است  
که میتوان مقابله اش داد با ( هنری ستین بومن )  
مقبولی . مسیو کایم و مدتی جنرال قونسل هندوستان  
مقیم بمبئی بود و چندین بار اداره گروپادگان در وسط  
آسیا خدمت کرده است. از جمله دوستان دولت انگلیس  
بهان درجه که وزیر مختار قبل از آن در طهران  
بوده مسیو کایم یکی از مدبرین روسی بشمار است  
که حامی اتحاد انگلیس و روس میباشد

مختار اخبارات خارجه

بوانشی کای وزیر خارجه چین به سزیر مقیم  
ندن در کابینای وی بقرضه بین المللی تلگرافا تبریک  
نموده اظهار داشته است که این امر مورت اتحاد  
دو تنی تواند کردید . و تکرار کرده که البته دول  
متحده پای بند بهواعبد خود خواهند بود

در شرکت بقرضه چین اگر چه در افان عجات  
در فروش سهام کردند ولی رفته رفته زاید بر  
اندازه ضرورت خواهمش دادن قرض رسیده است  
دولت چین مسرز جارج وستندروف را اجازه  
داده است که بضانت راه های آهن و معادن دو

مليون ايرا استقرار بايد - و چنان بيان مي شود که از آن ده ميليون قرضه که مسز کرسپ تدارک براي چين مي نمايد اين دو ميليون حصه از آن باشد

بواسطه اجتناب هتت اردو هاي روس در بولند و زمزمه در حقه با ميليون پيدا شده دولت روس اين اجتناب را فقط براي مشق و آزمون رسماً بيان نموده است

مسيو سازاوف با سرادوردگري از بانوول روانه شده است. مارکوف در پذيراي لاداره وزير هند و زده در ايشان تا آخر اين هفته توقف در انگلستان خواهد داشت

مسز کرسپ بعد از اين که براي قرضه چين در انگلستان تدارک نموده است در لندن دو ميليون قرضه چين در هرگز در تدارک است و مکرر اظهار داشت که آن تدارک چنانچه حاصلين در اينقرضه بيست

مخير و در از ساکنو خير ميدهد که دائر سن بات اين وارد و با اول اجتماع پذيران شده و پرفس منري شاهزاده آلمان که بيميت ايشان است خيلي محل تنظيم و تکريم آمده

سندات استقرار چين کم از صدي پنجم بفروش ميرسد

خانير چين و افسران آنان هرچگونه املاي از قرضه هميرك تدارک

در مکه معظمه مرض هيضه شيوع يافته است افواه است که دو ميليون از سندات قرضه چين را شاه اهالي خريداري نموده و مائتي را بانگها مابين خود تقسيم نمودند

در بران شهرت دارد که مسيو بروج و ستندروف انتظام دو ميليون قرضه براي چين در هميرك نموده فقط يك ميليون سندات را اشاعه خواهد داد ولي ظاهراً كافياب نخواهد گرديد چه بانگها متحد شده و غالب آنها شريك اند در اشاعه قرضه دول شش گانه و نتيجه خواهند متخلف از آن قرار داد بنابند و بزغير رسايه از فراهم نمودن چنين قرضه جلوگيري ميشود

دايميد يونان که رياست فتوئي منتخب آمده

در حضور کيشيان و صدر اهي مراسم تحايف را بجاي آورد

چهار جهاز موشك شکن که حکومت ارجنتين از انگلستان خريداري نموده بود رضا داده است که حکومت يونان داده شود و برق يونان بر آنها افزاشته آمد

مسز هبور در پارلمان انگليس در خصوص قرضه چين بر سر بود که آيا حکومت بقتضا که مسز کرسپ براي چين تدارک نموده مخالفت است دو صورت مخالفت حالت حريت مسز کرسپ تصور دولت شش گانه را اين نموده و اظهار داشت که آنگاه دولت را با مد نظر داشت و با انگلستان گيت که دولت چين در شروط قرضه دولت شش گانه قرضه است و دولت شش گانه از معاضده دولت است که دولت چين را معذور به قبول شرط استقرار راجع حالات در اين بود که چون دولت چين با دولت شش گانه قرار و تدارک داده چين مجاز بود که تدارک استقرار از مقام ديگر نماند لذا حکومت مجبور در مخالفت اين قرضه بود علاوه بر اين قرضه را که مسز کرسپ تدارک کرده هرچگونه مساعري براي آن از روي حيت نشده

بر حسب تاگراف ( حکيم بومك ) مسيوسه انجمن فتوئي چين در آلمان رسیده که ۱۳ افسر و ۲۷۷ تانکر و ۳۲ ژن و ۱۰۰۰ سوار اند

بر حسب تاگراف و در جهازات و مدله و هشتر انگليسي از مائتا بصرف جزيره گريت و همسوار آمده و در موقع حاک سيموني احتياض خراب شده بود

تاکرقات راجعه بهائين

بر حسب تاگراف باورين دولت انگليسي از شرکت دول که با بهائي را راتب علاج ميديند تعلق ميورزد

تاکرقات و يافته ظاهر ميدهد که دولت آلمان برا و محرا تدارکات چيني را مي پذيرد در وقت ضرورت بکار آيد

مسيو سازاوف وزير خارجه روس با مسيو يوناکير وزير خارجه فرانس دو ساعت در موضوع

بانکانش مشوره داشته نمایندگان بلغار و سرویا یکی بعد دیگری نیز در آن موقع حاضر شدند راه آهن بانکان به غربی اروپا یکدفعه مسدود گردیده است و قطار راه آهن از سرحد استریا و سرویا تجاوز نمیکنند

اهالی اسلاویون با متاعهای خوش و خروش درو بجز سوارت خنهای ایصالی و یونان را شکسته قشون محافظ آنها را برانگیزه ساخت

بر حسب اطلاعات روتر دولت استریا تحریکات متحده دول را با ترمیمات مختصر مسترد ساخته و وزرای خارجه فرانس و روس او را منظور نموده بدول سائره پیش کرده اند

جراند و یامه مینویسند که دولت استریا آن تحریکات را منظور تواند نمود که اساساً مافی با مسلک وی نباشد - اخبارات رسمی مینویسند که بر قراری امنیت و حاضرت مسامت برای دولت استریا اشد ضرورت را دارد و لازم است دول سائره سریعاً اقدامات ویرا صحنه نمایند

بواسطه شرکت وزارت خارجه روس و فرانس پاریس مرکز اخبارات بانکان فرانس یافته که از بهر مقام سؤال رفته جوابی آید

وکالت روتر معلوم نموده است که ترمیم استریا در مجوزة مشترکه دول در آن موضوعی است که مسالمت بین بانکان پیش خواهد شد و در آن بگفته آمده که دول مصمم گردیده اند که وضع کنونی بانکان را بدون تغییر و تبدیلی برقرار دارند استریا چنین ترمیم نموده است که دول متعهدند بر اینکه استقلال و عزت دولت عثمانی را که بانکان استوار دارند فقط یاد داشت دول منحصر است با مضای دولت انگلیس تا اتحاد دول کامل شده فرستاده آید

دولتین استریا و روس بجزردیکه از طرف دولت انگلیس جواب بیایند بدویبه نمایندگان بانکان شروع بکار روان خواهند نمود

میگویند دولت انگلیس بر این تحریک متعذر است و چنان عقیده دارد که بدول بانکان مراسم متعهد المال دول فرستاده شود و به با اعلیٰ منترد افشار آورده شود که اصلاحات مقدونیا را بنماید

روز نامه جات بیان میکنند که دولت انگلیس عذر داود که دول میخواهند انتظام مقدونیا را

بکف خود گیرند چیه این نکته با آزادی عثمانی خلل وارد آورده و مورث توهین استقلال با اعلیٰ است ولی نتیجه این تعذر معلوم نیست به کجا انجامد بر حسب تلگراف پاریس دولت انگلیس مجوزات دول را منباب ترمیمات است یا جواب داده اینک اتحاد بر تحریکات دول منباب بانکان قائم شده است

اقدامات متحد المال دول در اسلاویون تا چند روز دیگر شاید اشاعت یابد

بر حسب تلگراف صوفیا پارلمان بلغار اجازه مصارف ۷۲ ملیون فرانک برای اقدامات جنگی بحکومت خرد داده و نیز اجازه داده که از مددای معارف دیگر بکامند

وکالی پاریس بلجار با متاعهای خوش و خروش مسوده معارف جنگی را با سائر مسودات ضروریة دیگر از اتفاق آراء گذرانیدند و مدانک ممکن است از انتظام بانک اروپای عثمانی این اقدامات جنگی پیش نیاید

بر حسب تلگراف اسلاویون با اعلیٰ وعده نموده است قانون اصلاح ولایات را بر حسب ماده ۲۳ معاهده برنی که ۱۸۸۰ ترتیب یافته در صوبجست اروپایی خود بجزی دارد که این قانون تا کنون به موقع اجرا نیامده بود - اخبارات انگلیسی همچو تصور میکنند اجرای این قانون کافی برای جلوگیری از جنگ تواند بود

در سرحدات ترکی و یونان برخی جنگ های مختصر شده است

حکومت آسریا از پاران خود اجازه مصارف یازده میلیون لیرا برای تکمیل اداره جنگی خواسته است بر حسب معلومات وکالت روتر دولت انگلیس در جواب دول بانکان ابتدا تویق را روا ندیده بلکه عجلت در جواب نمود، مجوزة دول شبیه و یکشنبه رسید و فوری منظور کرد

سفیر دولت انگلیس با وزیر خارجه فرانس ملاقی شده اظهار داشت بجای اینکه یادداشت دول مشترکاً به با اعلیٰ پیش شود بهتر است که بانکان بفرستند چه یادداشت مشترک مینمایند که تهدید و فشار عثمانی آورده شده و ازین نکته باید برهیز نمود

سر ادوردگری بحواب سؤالی منسب انقلابات بانگان اظهار داشت که تصفیه امور بانگان اگر در خارج شود رجوع به مجلس هیک بیسنده و بی نتیجه است. مگر بیان نمود که اگر اقدامات دول بر نتیجه مباد دولت انگلیس کوشش خواهد نمود در برقراری اتحاد دول و چنان تحریکی نخواهد کرد که خلل در اتحاد دول وارد آید.

مدیرین سعادت های اروپا با منتهای سرگرمی و رفع انقلابات بانگان ساعید ولی مشکلات بقدری در پیش است که کاپی شان دشوار میباشد، دول در مقصود اصلی متحد فقط با سکدام الفاظ از باعالی استدعا نمود اعتراف دارند و درین خصوص تلگرافات بویامه و پاریس و لندن شده است - تا جائیکه معلوم می شود تمام اختلافات رفع شده و از فردا شروع بکار روان خواهد شد.

دول بانگت از خیالات دول اروپا بخوبی واقف گردیده چه وزیر خارجه روس و فرانس نمایندگان آنها را ماب نموده و تا يك ساعت کامل با ایشان صحبت داشته ست و قبل از این هیچیک از مدیرین سلطنت ما اینگونه کارروائی ننموده بودند.

اسلامبول بصورت محاصره در آمده و چنان تصور می شد که دول بانگان را قانون اصلاح ولایات که عثمانی بخواهد بدهد اسباب تشیی نکردد عموماً را عقیده این است که وضع این قسم پیش آمده که بیجوجه می توان جوگرایی از جنگ نمود.

مخبر روز خیر میدهد که قشون ایطالی در ( بومیه ) که جهل میلی ( درنه ) است فرود آمده هیچگونه جوگرایی از ترکان نیافته اند.

پارلمان منگريد و سوقیه نطق های پادشاهان خود را با کمال جوش و خروش منظور نمودند و ایقان دارند بر اینکه اتفاق دول برای همیشه بانگان را مأمون خواهد داشت. قشون دول متحده بانگان بطرف سرحدات با منتهای جوش و خروش روان می شود.

سر ادوردگری در جواب مسر بونولا اظهار داشت که پیش ازین بیان نتواند کرد که از موقع خوفناک بانگان هیچکس بی اطلاع نیست و کوشان است که بذریعه دول اروپا تا جائیکه ممکن است

صالح و امنیت را برقرار دارد و ترك صلح جویی را نایسند میباشد، سر ادوردگری بیان نمود که اصلاحات در تمام اروپای ترکی سعنت لازم آمده و باعالی هم خود براین مقر است چه اگر اصلاح بشود قبضه عثمانی در آت تمام بطریق امنیت خواهد شد. مشکل این است که دول بانگان بخواه قشونی نتوانند برای اجرای اصلاحات نسبت به عثمانی پیشقدمی نمایند و مشکل است ایقان دادن به بانگیان که در اصلاحات باعالی اوضاع مقدوساً يك خواهد گردید. تمام مدارک شده که در این خصوص دول بانگان به اسلامبول بنویسد. دولت انگلیس کلاً باندول سائره متفق است در برقراری صلح. و ایقان دارد که در بانگان اگر جنگ هم شود هیچ يك از دول عظام شامل در آت جنگ نخواهند گردید.

بحسب تلگرافیکه از سنجی رسیده حکومت قره طغای جنگ با عثمانی را رسماً اعلان نموده و در نواح نوزی شله جنگ افزاخته شده است. تمام روز گذشته جنگ قانمود - ۹ سائیر قشون عثمانی برخلاف فرقه مایسوری در سرحد قره طغای می جنگند.

اهالی لندن از اعلان جنگیکه فرمان داده میشود و وزارت خارجه انگلیس و هیچ يك از سفرا رسماً این خبر را نیافته اند.

وزیر مافی قره طغای در اسلامبول باعالی را اصلاح داده است مابانان جنگی که نسبت بدولت عثمانی داده شده.

دولت قره طغای نیایسند خود را از اسلامبول ماب نموده و تذکره هم برای حرارت نیایسند عثمانی مقیم سنجی داده است.

چند ساعت قبل از رسیدن بدولت دول حکومت قره طغای شروع بجنگ در سرحد نموده بود جوش و خروش اعضای انجمن اتحاد و برقی مناقشات جنگی را قوت بخشوده و خوف آت است که اگر حکومت مساک اعتدالی پیش گیرد حمل بمرعوبیت و ضعف وی بشود و ترقی انقلاب موقع بجنگ حوثی امارات بانگان داده شود.

وکالت روتر معلوم نموده است که ایستانی برای رفع غلط فہمی نامه در اجرای قانون اصلاح ولایات منتهای درجه کوشان است.



وکالت روتر معلوم نموده است که با عالی مقامهای کوشش را برای اسکت ملت در موضوع اد داشت دولت دارد، چنانچه در بیان نامه اظهار شده که با خود مختاری مقدونیا و نه والی عیسوی سپهر شدت موقع قبول تواند یافت وزیر مختاران اسیر و روس حکومت بلغاریا و سایر امارت یاد داشت دولت را منازب صالح بانگان پیش نموده اند.

مخبر روتر خبر رفته که در روز قمره صاعیان جنت نموده (بره) را محاصره کرده و سخت جنت جری است - از این رو رشاد پشا برای حفظ (سکوتره) روانه شده است چنان گفته می شود که در مقام (جانبالا) سرحد بلغاریا و عثمانی حاکم آنرا گردیده است و بین سرحدات عثمانی و سرود نیز آنرا محاصرت شده است

احداث قشون سرود تکمیل یافته چهار صد هزار نفر آمده است علاوه بر دو صدها بر حسب انکراف سنان بیوس رسیده فرمایش و شاعرانده مرکز بطرف اردبگه خود باقیه در (پدکوزا) بیک و سلا توب روانه گردید و در روز و شب شهر اذکار بدست و شاعرانده را و در کتبه و سایر با مقدماتی گرجیونی پادشاه و شاعران را تشجید و تراف نمودند در موقع حرکت سپهر روس و آستریا ملافی شده چنین کوشش برای برقراری صلح نمودند

بر حسب معلومات روتر وین روزی سرودیا با سرای روس و آستریا مقدماتی محبت و اگانگی را ابراز داد و بی هیچ گونه جبرانی یاد داشت آن داده است

سایم نیست که قمره در خود یا تحریک دیگران اقدام به جنت نموده و عقیده همه این است که آخرین امید صلح هم خانه پذیرفت - امضای اسلامبول از پیش آمد و افسات با اندازه خشمگین گردیده اند که هیچ حکومت جلو گیری از آنان تواند نمود

چنان معلوم می شود که وزیر مختار عثمانی مقیم صتیب را ۹۰ دقیقه قبل از آنکه یادداشت و روس

و آستریا برسد تذکره حرکت داده بودند

مخبر روتر از اسلامبول خبر میدهد که وزیر مختار های یونان و بلغاریا و سرودیا تا کنون دستور العمل حرکت از حکومت خود نرسیده ولی کاملاً تدارکات خویش را دیده و هر آن متضررند و پیش دارند که حکومت با کان پیری خواهند کرد از حکومت قمره صلح

امروز صبر در وزارت خراج تصدیق حنک فرمایش و عثمانی شد

در مجلس ایوان لارد کروخواب لارد لندون اظهار داشت متأسفانه خبر جنت در سرحد بانگان رسیده است

مخبر روتر معلوم نموده است که بارخان سرودیا دو میلیون لیرا برای مصارف حنک منظور نموده است

انجمن صلیب احمر روس ۳۰۰ بیس و هات داکتر با جیب برستار برای حنک بانگان میفرستند. بخار در دفعه جنگی نامه میدهند و رعایا برای خاندان باغبان تدارک خود رویش می نمایند هزار ها رعایای یونان از اسلامبول حرکت می نمایند

یکی از روزنامهجات اسلامبول مینویسد که وزیر جنگ در موقع وضع افسران بیان نموده که لباس های رسمی قشون خود را فراهموش نکنند که در موقع مناسبت سوفا با مکار خواهد آمد

روزنامه (میر) مینویسد که مداخلات دولت در مساله بانکت در شده و از اینرو امارات بانگان مصمم شده اند که خودشان انتظامات را بنف گیرند

از تلگراف سلاویت معلوم میشود که در نشاط و حقیقت محذره انجمن ها در تأیید جنگ منعقد میگردد

بر حسب معلومات روتر تلگراف اسلامبول از این رو دیر میشود که پس از ملاحظه اجازه تخیره می باید

باوالی مخصوص برای آخرین تعزیه شرایط صلح با ایتالی باید مخصوص فرستاده امید است که انجسام صلح بشود